

مهدی موعود در کلام پیامبر محمود
چهل حدیث پیامبر اعظم (ص)

بسم الله الرحمن الرحیم

مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در کلام پیامبر محمود

نویسنده:

احمد سعیدی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ۵

مهدی موعود در کلام پیامبر محمود ۸

مشخصات کتاب ۸

مقدمه ۸

فصل اول: معرفی امام زمان علیه السلام ۱۱

حدیث اول ۱۱

حدیث دوم ۱۳

حدیث سوم ۱۳

حدیث چهارم ۱۳

حدیث پنجم ۱۴

حدیث ششم ۱۵

حدیث هفتم ۱۶

حدیث هشتم ۱۶

حدیث نهم ۲۰

حدیث دهم ۲۱

حدیث یازدهم ۲۲

حدیث دوازدهم ۲۳

حدیث سیزدهم ۲۵

حدیث چهاردهم ۲۶

حدیث پانزدهم ۲۶

حدیث شانزدهم ۳۰

حدیث هفدهم ۳۱

حدیث هجدهم ۳۱

حدیث نوزدهم ۳۲

فصل دوم: دوران غیبت ۳۳
حدیث بیستم ۳۳
حدیث بیست و یکم ۳۴
حدیث بیست و دوم ۳۴
حدیث بیست و سوم ۳۵
حدیث بیست و چهارم ۳۶
حدیث بیست و پنجم ۳۶
حدیث بیست و ششم ۳۸
حدیث بیست و هفتم ۳۸
فصل سوم: نشانه های آخرالزمان ۴۱
حدیث بیست و هشتم ۴۱
حدیث بیست و نهم ۴۶
حدیث سی ام ۴۷
فصل چهارم: هنگامه ظهور ۵۶
حدیث سی و یکم ۵۶
حدیث سی و دوم ۵۷
حدیث سی و سوم ۵۹
فصل پنجم: زمان قیام ۶۰
حدیث سی و چهارم ۶۰
حدیث سی و پنجم ۶۲
حدیث سی و ششم ۶۲
حدیث سی و هفتم ۶۴
حدیث سی و هشتم ۶۵
حدیث سی و نهم ۶۶
حدیث چهلم ۶۶
فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران ۶۸

پی نوشت ها ---------- ۷۳
درباره مرکز ---------- ۷۸

مهدی موعود در کلام پیامبر محمود

مشخصات کتاب

سرشناسه : سعیدی، احمد، ۱۳۴۶ - عنوان و نام پدیدآور : مهدی موعود در کلام پیامبر محمود (چهل حدیث پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم)/ گردآورنده احمد سعیدی. مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۷. مشخصات ظاهری : ۱۲۷ ص. ؛ ۱۶/۵ × ۱۲ س م. شابک : ۵۰۰۰ ریال : ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۰۳۱-۸ ؛ ۴۰۰۰ ریال (چاپ اول) یادداشت : فارسی - عربی. یادداشت : چاپ اول: تابستان ۱۳۸۵. یادداشت : چاپ دوم. یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس. موضوع : محمدبن حسن (عج) ، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- احادیث موضوع : محمد (ص) ، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق -- احادیث موضوع : اربعینات -- قرن ۱۴ شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم) رده بندی کنگره : BP۱۴۳/۹ /س۷م۹ ۱۳۸۷ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۸ شماره کتابشناسی ملی : ۱۲۶۶۰۳۱

مقدمه

بسم اللَّه الرحمن الرحيم الحمد للَّه رب العالمين و صلّی اللَّه علی محمّد و آله الطيبين الطاهرين و لعنه اللَّه علی اعدائهم اجمعين.

از آنجا که فطرت و روح انسان، خدایی است،(۱) لذا پیوسته به کمال و عدالت و ابدیت(۲)... گرایش داشته و نهایت آرزوهایش رسیدن به چنین مقصدی است.

دین اسلام نیز که آخرین دین آسمانی، و پیامبر آن آخرین فرستاده الهی است، کامل ترین دین بوده و رهبران آن نیز از بهترین رهبران می باشند، لذا همیشه مورد بشارت انبیای گذشته بوده و مردم را به بعثت آخرین پیامبر و جانشینان وی که به واسطه آنان خداوند عدالت را فراگیر می کند مژده داده اند.(۳)

در این بین هواخواهی مردم به جای خداخواهی، و دنباله روی آنان از شیطان که یکی از بزرگ ترین روانشناسان عمر

انسانی و دشمن شماره یک او محسوب می شود(۴)، باعث شد تا مردم جانشینان پیامبرعلیهم السلام را یکی پس از دیگری، با حقّی غصب شده و ظلمی مضاعف، از جامعه و حاکمیت منزوی نموده ودر نهایت به شهادت برسانند.(۵) به ناچار و به جهت رسیدن جامعه به آن مقصد نهایی و فراهم شدن زمینه آن هدف متعالی، خداوند سبحان، آخرین جانشین آخرین پیامبر خود را مدّتی در پس پرده غیبت قرار داد.

پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله وسلم که به علم الهی، این وضعیت را می دیدند، در موارد متعدّدی فرموده اند که جانشینان من چند نفرند، اسامی آنان چنین و چنان است، آخرین آنان مدتی طولانی غیبت خواهد کرد، تا آن گاه که به اذن خداوند ظاهر گردد.

اگرچه امید به ظهور موعودی که در آخرالزمان می آید و جهان را گلستان می کند در اغلب یا تمام ادیان بشارت داده شده، ولی برخی معتقدند که وی هنوز متولد نشده و موجود نیست؛ لکن موعودی که اسلام آمدنش را به مسلمانان و جهانیان وعده داده و اکنون همه جهان در انتظار اوست، موجود است و همه مخلوقات عالم از برکات وجود وی، ارتزاق می کنند.(۶)

وجود او در حال غیبت، همانند خورشید پشت ابری است که با وجودش از سرد ونابود شدن زمین و اهالی آن جلوگیری می نماید. هر چند گناهان ما ابری است که مانع رؤیت جمال تابناک خورشیدی اش شده؛ امّا او ناظر اعمال ماست وبا مهیا شدن ما، زمانی از پس ابر ظاهر می گردد.

امام زمان علیه السلام آن موعودی است که در لحظه لحظه زندگی ما و در جای جای عالم، نشانه های حضور و عنایات ایشان قابل مشاهده است، کرامات فراوان او را

از بدو تولد آن حضرت و زمان غیبت؛ چه غیبت صغری و چه غیبت کبری، تاکنون همه دیده یا شنیده اند که چگونه با دست عنایت خود، بیماران زیادی را به اذن الهی شفا داده اند، گم شدگان بیابان ها و صحراها و دریاها را به مقصد رسانده اند و ... .

چه بسیار علما و افراد عادی که خالصانه، آن صاحب عصر و زمان را خوانده اند و حضرت نیز تشریف آورده، آنان را مورد عنایت خود قرار داده است.

مسجد مقدّس جمکران که محلّ تجلّی گوشه ای از عنایات خداست چرا دل های بی شماری را به خود مشغول نموده است؟ چرا سیل جمعیت از سراسر ایران، بلکه جهان برای نماز(۷) و ذکر و دعا به این مکان سرازیر است؟(۸) چرا بسیاری از افراد، رنج سفر را بر خود هموار می کنند و حتی با پای پیاده به این مسجد مشرّف می شوند؟ اگرچه قرار نیست همه کارهای دنیا با کرامت و معجزه پیش برود، ولی آنچه رخ می دهد فقط روزنه ای است از برکات وجودش.

حال آیا اگر این مسجد مقدّس فقط قصّه و داستان بود، این روش و توجّه مردم بیش از هزار سال تداوم داشت؟ کدام مسجد وحسینیه و حتی پارک و استادیومی را سراغ دارید که توانسته باشد در طول سال این همه چشم را به خود متوجه گرداند و این همه دل را به خود جلب کند؟ اگرچه این فقط مسجدی است که جلوه های کوچکی از عنایات بی شمار امام زمان علیه السلام در آن متجلّی گشته و مردم آن را لمس کرده اند.

پس چگونه می شود این همه نشانه و دیدنی را نادیده گرفت؛ یعنی برخی از احکام و اخبار است که از مسلّمات بوده و

همه پذیرفته اند در حالی که فقط یک یا دو روایت در مورد آن وجود دارد، اما نسبت به امام زمان علیه السلام روایات فراوان، از راویان متعدد؛ چه سنی و چه شیعه، از معصومین علیهم السلام به خصوص پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم صادر شده و به دست ما رسیده است که هیچ منصفی نمی تواند آن را انکار کند.

لـذا در سالی که توسط مقام معظّم رهبری به نام مبارك پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله وسلم مزیّن گردیده است، بنا به فرمایش آن حضرت که فرمود: «مَنْ حَفِظَ مِنْ أُمَّتِی أَرْبَعِینَ حَدِیثاً مِمّا یَحْتاجُونَ إِلَیْهِ مِنْ أَمْرِ دِینِهِمْ بَعَثَهُ اللَّهُ - عَزَّوَجَلَّ - یَوْمَ الْقِیامَهِ فَقِیهاً عالِماً»؛(۹)

«هرکس از امّت من چهل حدیث از آنچه که در امر دینشان نیاز دارند حفظ نماید خداوند متعال وی را در روز قیامت فقیه و عالم محشور خواهد کرد.»

چهل حدیث از پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله وسلم که پیرامون امام زمان علیه السلام صادر گشته، با سند و متن حدیث به همراه ترجمه آن که از معتبرترین کتب روایی گزینش شده، جمع آوری گردیده است. امید که مورد رضایت حضرت واقع شده و قابل استفاده برای خوانندگان گرامی باشد. ان شاء اللّه.

در پایان از مدیریت محترم انتشارات مسجد مقدس جمکران و همکاران عزیز در واحد پژوهش تشکر می نمایم.

قم، مسجد مقدس جمکران خرداد ۱۳۸۵

احمد سعیدی

فصل اول: معرفی امام زمان علیه السلام

حدیث اول

مهدی علیه السلام هدیه الهی است عن سهل، عن محمد بن سلیمان، عن هیثم بن أشیم، عن معاویه بن عمار، عن أبی عبد اللّه علیه السلام قال:

خَرَجَ النَّبِیُ صلی الله علیه وآله وسلم ذاتَ یَوْمٍ وَهُوَ مُسْتَبْشِرٌ یَضْحَکُ سُرُوراً فَقالَ لَهُ النّاسُ: أَضْحَکَ اللَّهُ سِنَّکَ یا رَسُولَ اللَّهِ وَزادَکَ سُرُوراً.

فقال رسول اللّه صلی

الله علیه وآله وسلم:

إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ يَوْمٍ وَلا لَيْلَةٍ إِلّا وَلِيَ فِيهِما تُحْفَةٌ مِنَ اللَّهِ. أَلا وَإِنّ رَبِّی أَتْحَفَنِی فِی يَوْمِی هذا بِتُحْفَةٍ لَمْ يَتْحَفْنِی بِمِثْلِها فِيما مَضی إِنَّ جَبْرَئِيل علیه السلام أَتانِی فَأَقْرَأَنِی مِنْ رَبِّی السّلامَ، وَقال: يا مُحَمَّدُ! إِنَّ اللَّهَ جَلّ وَعَزَّ اخْتارَ مِنْ بَنِی هاشِمَ سَبْعَةً لَمْ يَخْلُقْ مِثْلَهُمْ فِيمَنْ مَضی وَلا يَخْلُقُ مِثْلَهُمْ فِيمَنْ بَقِیَ. أَنْتَ يا رَسُولَ اللَّهِ! سَيِّدُ النَّبِيِّينَ، وَعلِیُّ بْنُ أَبی طالِبٍ وَصِيُّکَ سَيِّدُ الوَصِيِّينَ، وَالحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سِبْطاکَ سَيِّدا الْأَسْباطِ، وَحَمْزَهُ عَمُّکَ سَيِّدُ الشُّهَداءِ، وَجَعْفَرُ ابْنُ عَمِّکَ الطَّيّارُ فِی الجَنَّةِ يَطِيرُ مَعَ الْمَلآئِکَهِ حَيْثُ يَشآءُ، وَمِنْکُمُ القآئِمُ يُصَلِّی عِيسَی ابْنُ مَرْيَمَ خَلْفَهُ إِذا أَهْبَطَهُ اللَّهُ إِلیَ الْأَرْضِ مِنْ ذُرِّيَّهِ عَلِیٍّ وَفاطِمَهَ وَمِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ علیهم السلام.(۱۰)

امام صادق علیه السلام می فرماید: روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم شادان و خندان بیرون آمدند. مردم عرض کردند: ای رسول خدا! خداوند شما را همیشه شاد و خندان گرداند.

رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

هیچ شب و روزی نیست، مگر این که از جانب خداوند متعال برای من تحفه ای فرستاده می شود. امّا آگاه باشید که امروز پروردگارم تحفه ای به من داده که تا قبل از این، چنین تحفه ای نداده بود. همانا جبرئیل نزد من آمد و سلام پروردگارم را ابلاغ کرد و گفت: ای محمّد! پروردگار عظیم الشأن از میان بنی هاشم هفت نفر را برگزید که مانند آنان را نه قبل از این خلق کرده، و نه بعد از این خلق خواهد کرد. [آن هفت نفر عبارتند از:]

ای رسول خدا! تو سیّد و آقای پیامبران هستی. و علی بن ابی طالب وصی تو و سید اوصیاست. و حسن و حسین که دو سبط تو

هستند سرور همه اسباط هستند. و عمویت حمزه، سالار شهیدان است. و پسر عموی تو جعفر طیّار، در بهشت به همراه فرشتگان پرواز می کند.

و از شماست قائم، همان که عیسی بن مریم علیهما السلام پشت سرش به نماز می ایستد، آن هنگام که خدای تعالی او را به زمین فرود می آورد. آن قائم از نسل علی و فاطمه و از فرزندان حسین علیهم السلام است.

حدیث دوم

مهدی علیه السلام از آقایان اهل بهشت است أحمد بن محمد بن إسحاق، عن إسماعیل بن إبراهیم الحلوانی، عن أحمد بن منصور زاج، عن هدبه بن عبد الوهاب، عن سعد بن عبد الحمید بن جعفر، عن عبد اللّٰه بن زیاد الیمانی، عن عکرمه بن عمّار، عن إسحاق بن عبد اللّٰه بن أبی طلحه، عن أنس بن مالك قال:

قال رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله وسلم:

نَحْنُ بَنُو عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، سادَهُ أَهْلِ الْجَنَّهِ: رَسُولُ اللّٰهِ وَحَمْزَهُ سَیِّدُ الشُّهَداءِ وَجَعْفَرُ ذُوالْجَناحَیْنِ وَعلِیٌّ وَفاطِمَهُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَیْنُ وَالْمَهْدِیُّ.(۱۱)

رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

ما فرزندان عبدالمطلب، آقایان اهل بهشت هستیم: رسول خدا و حمزه سید الشهداء، جعفر (طیار) که دارای دو بال در بهشت است، و علی و فاطمه و حسن و حسین و مهدی علیهم السلام.

حدیث سوم

اشتیاق بهشت به مهدی علیه السلام عن جابر بن عبد اللّٰه الأنصاری قال:

قال رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله وسلم:

اَلْجَنَّهُ تَشْتاقُ إِلی أَرْبَعَهٍ مِنْ أَهْلِی، قَدْ أَحَبَّهُمُ اللّٰهُ وَأَمَرَنِی بِحُبِّهِمْ: عَلِیُّ بْنُ أَبِی طالِبٍ، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَیْنُ، وَالْمَهْدِیُّ الَّذِی یُصَلِّی خَلْفَهُ عِیسَی بْنُ مَرْیَمَ – علیهم السلام – .(۱۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

بهشت به چهار نفر از اهل بیت من اشتیاق دارد: علی بن ابی طالب، حسن، حسین و مهدی علیهم السلام، آن که عیسی بن مریم علیهما السلام پشت سر او به نماز می ایستد.

حدیث چهارم

بشارت به مهدی علیه السلام و عدالت جهانی عن المقانعی، عن بکار بن أحمد، عن الحسن بن الحسین، عن تلید عن أبی الجحاف، عن خالد بن عبد الملک، عن مطر الوراق، عن الناجی؛ یعنی أبا الصدیق، عن أبی سعید قال:

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله وسلم:

أَبْشِرُوا بِالْمَهْدِیِّ [قالَ ثَلاثاً] یَخْرُجُ عَلی حِینِ اخْتِلافٍ مِنَ النّاسِ وَزِلْزالٍ شَدِیدٍ یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلاً کَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً، یَمْلَأُ قُلُوبَ عِبادِهِ عِبادَةً وَیَسْعُهُمْ عَدْلُهُ.(۱۳)

رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

بشارت می دهم شما را به مهدی (و این جمله را سه بار تکرار فرمود) آن هنگام که مردم با هم اختلاف کرده و متزلزل شده باشند، ظهور خواهد کرد و زمین را از عدل و داد پر می کند، همان طور که از ظلم و جور پر شده باشد. قلوب مردم را از عبادت خدا پر می کند و عدالتش تمام مردم را فرا می گیرد.

حدیث پنجم

شبیه ترین مردم به من ابن مسرور، عن ابن عامر، عن عمّه، عن ابن أبی عمیر، عن أبی جمیله، عن جابر الجعفی، عن جابر الأنصاری قال:

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله وسلم:

اَلْمَهْدِیُّ مِنْ وُلْدِی، اِسْمُهُ اِسْمِی، وَکُنْیَتُهُ کُنْیَتِی، أَشْبَهُ النّاسِ بِی خَلْقاً وَخُلْقاً، تَکُونُ لَهُ غَیْبَةٌ وَحَیْرَةٌ تَضِلُّ فِیهِ الْأُمَمُ. ثُمَّ یُقْبِلُ کَالشَّهابِ الثّاقِبِ وَیَمْلَأُها عَدْلاً وَقِسْطاً کَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً.(۱۴)

جابر بن عبداللَّه انصاری نقل می کند که رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

مهدی از فرزندان من است، اسمش اسم من و کنیه اش کنیه من است. شبیه ترین مردم به من است؛ هم از جهت خلقت و هم از جهت اخلاق. دارای غیبت و حیرتی است که بسیاری از مردم در خصوص وی به گمراهی می افتند، امّا ناگهانی و مانند

شهاب ثاقب (سریع) ظهور می کند و چهره نشان می دهد. زمین را پر از عدل و داد می کند همان طور که از ظلم و ستم پر شده باشد.

حدیث ششم

مهدی علیه السلام، فرزند من است ابن مسرور، عن ابن عامر، عن المعلّی، عن جعفر بن سلیمان، عن عبد اللَّه بن الحکم، عن أبیه، عن سعید بن جبیر، عن ابن عباس قال:

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله وسلم:

إِنَّ خُلَفآئِی وَأَوْصِیآئِی وَحُجَجُ اللَّهِ عَلَی الْخَلْقِ بَعْدِی اِثْنا عَشَرَ: أَوَّلُهُمْ أَخِی وَآخِرُهُمْ وَلَدِی.

قِیلَ: یا رَسُولَ اللَّهِ! وَمَنْ أَخُوکَ؟

قالَ صلی الله علیه وآله وسلم: عَلِیُّ بْنُ أَبِی طالِبٍ.

قِیلَ: فَمَنْ وَلَدُکَ؟

قالَ صلی الله علیه وآله وسلم: اَلْمَهْدِیُّ الَّذِی یَمْلَأُها قِسْطاً وَعَدْلاً کَما مُلِئَتْ جَوْراً وَظُلْماً. وَالَّذِی بَعَثَنِی بِالْحَقِّ نَبِیّاً! لَوْ لَمْ یَبْقِ مِنَ الدُّنْیا إِلّا یَوْمٌ واحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذلِکَ الْیَوْمَ حَتّی یَخْرُجَ فِیهِ وَلَدِی الْمَهْدِیُّ فَیَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ فَیُصَلِّی خَلْفَهُ، وَتَشْرَقُ الْأَرْضُ بِنُورِهِ وَیَبْلُغُ سُلْطانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ.(۱۵)

رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

همانا جانشینان و اوصیای من و حجّت های الهی بر مردم دوازده نفرند، که اوّل آنان برادرم و آخر آن ها فرزندم می باشد.

گفته شد: ای پیامبر خدا! برادرت چه کسی است؟

فرمودند: علی بن ابی طالب علیه السلام.

عرض شد: فرزندت چه کسی است؟

فرمودند: مهدی علیه السلام؛ همان که زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد، چنان که از ظلم و ستم پر شده باشد. قسم به آن که مرا به پیامبری برانگیخت! اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن یک روز را آن قدر طولانی کند که فرزندم مهدی ظهور نماید. پس حضرت مسیح از آسمان نازل شود و پشت سر ایشان نمازگزارد و زمین به نور وجود او روشن شود و

حکومتش از شرق تا غرب عالم را فرا گیرد.

حدیث هفتم

مهدی علیه السلام از ما اهل بیت علیهم السلام است عن علی بن أبی طالب علیه السلام قال: قلت: یا رسول اللّه! أ منّا آل محمّد، المهدیّ أم من غیرنا؟

فقال رسول اللّه صلی الله علیه وآله وسلم:

لا، بَلْ مِنّا، یَخْتِمُ اللّهُ بِهِ الـدِّینَ کَما فَتِـحَ بِنا، وَبِنا یَنْقَذُونَ مِنْ الفِتَنِ کَما أَنْقَذُوا مِنَ الشِّـرْکِ، وَبِنا یُؤَلِّفُ اللّهُ بَیْنَ قُلُوبِهِمْ بَعْدَ عَداوَهِ الْفِتْنَهِ إِخْواناً کَما أَلَّفَ بَیْنَهُمْ بَعْد عَداوَهِ الشِّرْکِ، وَبِنا یُصْبِحُونَ بَعْد عَداوَهِ الْفِتْنَهِ إِخْواناً کَما أَصْبَحُوا بَعْدَ عَداوَهِ الشِّرْکَ إِخْواناً فِی دِینِهِمْ.(۱۶)

امیر المؤمنین علیه السـلام می فرمایـد: از پیامبر اکرم صـلی الله علیه وآله وسـلم سؤال کردم: ای رسول خدا! آیا مهدی از ما آل محمّد است، یا از غیر ماست؟

رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

خیر، بلکه از ماست. خداونـد دین را با او ختم می کند، همان طور که به وسیله ما نیز آغاز کرده بود. مردم به برکت ما از فتنه ها نجات می یابند، همان طور که از شرک نجات یافتند.

به واسـطه ما خداونـد دل های مردم را که با فتنه و دشـمنی خو گرفته انـد، با یکدیگر مهربان و برادر خواهد کرد. و به واسـطه ماست که بعـد از دشـمنی ها و فتنه ها با یکـدیگر برادر خواهنـد شـد، همان طور که ابتـدا مشـرک بودنـد و سـپس برادر دینی یکدیگر شدند.

حدیث هشتم

اسامی دوازده امام علیهم السـلام حدّثنا محمد بن الحسـین رضی اللّه عنه، قال: حدثنا محمد بن موسی المتوکل رحمه اللّه، قال: حـدثنا محمـد بن أبی عبد اللّه الکوفی، قال: حدثنا موسـی بن عمران النخعی، عن عمه الحسـین بن یزید النوفلی، عن الحسن بن علی بن أبی حمزه، عن أبیه، عن الصادق علیه السلام جعفر بن محمد، عن أبیه محمد بن علی، عن أبیه الحسین بن علی، عن

أبيه علی بن أبی طالب علیهم السلام قال:

قال رسول اللّه صلی الله علیه وآله وسلم:

حَدَّثَنِی جِبْرَئِیلُ عَنْ رَبِ ّالْعِزَّهِ جَلَّ جَلالُهُ أَنَّهُ قالَ: مَنْ عَلِمَ أَنْ لا إلهَ إلّا أَنَا وَحْدِی، وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدِی وَرَسُولِی، وَأَنّ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طالِبٍ خَلِیفَتِی، وَأَنَّ الْأَئِمَّهَ مِنْ وُلْدِهِ حُجَجِی، أَدْخَلْتُهُ جَنَّتِی بِرَحْمَتِی، وَنَجَّیْتُهُ مِنَ النّارِ بِعَفْوِی، وَأَبَحْتُ لَهُ جِوارِی، وَأَوْجَبْتُ لَهُ كَرامَتِی، وَأَتْمَمْتُ عَلَیْهِ نِعْمَتِی، وَجَعَلْتُهُ مِنْ خاصَّتِی وَخالِصَتِی. إنْ نادانِی لَبَّیْتُهُ، وَإنْ دَعانِی أَجَبْتُهُ، وَإِنْ سَأَلَنِی أَعْطَیْتُهُ، وَإِنْ سَكَتَ ابْتَدَأْتُهُ، وَإِنْ أَساءَ رَحِمْتُهُ، وَإِنْ فَرَّ مِنِّی دَعَوْتُهُ، وَإِنْ رَجَعَ إِلَیَّ قَبِلْتُهُ، وَإِنْ قَرَعَ بابِی فَتَحْتُهُ.

وَمَنْ لَمْ یَشْهَدْ أَنْ لا إِلهَ إِلّا أَنَا وَحْدِی، أَوْ شَهِدَ بِذلِكَ وَلَمْ یَشْهَدْ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدِی وَرَسُولِی، أَوْ شَهِدَ بِذلِكَ وَلَمْ یَشْهَدْ أَنَّ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طالِبٍ خَلِیفَتِی، أَوْ شَهِدَ بِذلِكَ وَلَمْ یَشْهَدْ أَنَّ الْأَئِمَّهَ مِنْ وُلْدِهِ حُجَجِی، فَقَدْ جَحَدَ نِعْمَتِی وَصَغَّرَ عَظَمَتِی وَكَفَرَ بِآیاتِی وَكُتُبِی وَرُسُلِی. إِنْ قَصَدَنِی حَجَبْتُهُ، وَإِنْ سَأَلَنِی حَرَمْتُهُ، وَإِنْ نادانِی لَمْ أَسْمَعْ نِداءَهُ، وَإِنْ دَعانِی لَمْ أَسْتَجِبْ دُعاءَهُ، وَإِنْ رَجانِی خَیَّبْتُهُ، وَذلِكَ جَزاؤُهُ مِنِّی وَما أَنَا بِظَلّامٍ لِلْعَبِیدِ.

فَقامَ جابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصارِی فَقالَ: یا رَسُولَ اللَّهِ! وَمَنِ الْأَئِمَّهُ مِنْ وُلْدِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طالِبٍ؟

قالَ صلی الله علیه وآله وسلم: اَلْحَسَنُ وَالْحُسَیْنُ سَیِّدا شَبابِ أَهْلِ الْجَنَّهِ، ثُمَّ سَیِّدُ الْعابِدِینَ فِی زَمانِهِ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ، ثُمَّ الْباقِرُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ وَسَتُدْرِكُهُ یا جابِرُ! فَإِذا أَدْرَكْتَهُ فَاقْرَأْهُ مِنِّی السَّلامَ، ثُمَّ الصّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، ثُمَّ الْكاظِمُ مُوسَی بْنُ جَعْفَرٍ، ثُمَّ الرِّضا عَلِیُّ بْنُ مُوسی ثُمَّ التَّقِیُّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ، ثُمَّ النَّقِیُّ عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، ثُمَّ الزَّكِیُّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِیٍّ، ثُمَّ ابْنُهُ الْقائِمُ بِالْحَقِّ مَهْدِیُّ أُمَّتِی، اَلَّذِی یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلاً كَما

مُلِئَتْ جَوْراً وَظُلْماً.

هؤُلآءِ يا جابِرُ! خُلَفآئِی وَأَوْصِیآئِی وَأَوْلادِی وَعِتْرَتِی، مَنْ أَطاعَهُمْ فَقَدْ أَطاعَنِی، وَمَنْ عَصاهُمْ فَقَدْ عَصانِی، وَمَنْ أَنْکَرَهُمْ أَوْ أَنْکَرَ واحِداً مِنْهُمْ فَقَدْ أَنْکَرَنِی، بِهِمْ یُمْسِکُ اللَّهُ السَّمآءَ أَنْ تَقَعَ عَلَی الْأَرْضِ إِلّا بِإِذْنِهِ، وَبِهِمْ یَحْفَظُ اللَّهُ الْأَرْضَ أَنْ تَمْتَدَّ بِأَهْلِها.(۱۷)

امام صادق از پدران بزرگوارش علیهم السلام نقل می فرماید که پیامبر خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

جبرئیل از جانب پروردگار عظیم الشأن مرا با خبر کرد: هر کس بداند [و ایمان داشته باشد] که هیچ خدا و معبودی جز من نیست و این که محمّدصلی الله علیه وآله وسلم بنده و فرستاده من است وعلی بن ابی طالب علیه السلام خلیفه من است وامامان که از فرزندان اویند، حجّت های من هستند، او را با رحمت خودم وارد بهشت خواهم کرد و با عفو خودم از آتش جهنم نجات می دهم، همسایگی خود را برای او مباح می کنم، کرامتم را بر او واجب می گردانم، نعمتم را برای او تمام خواهم کرد، و او را از خاصّان و خالصان خود قرار می دهم.

چنین شخصی اگر مرا ندا کند، لبیک خواهم گفت. اگر مرا بخواند، جوابش خواهم داد. اگر چیزی از من بخواهد، به او عطا خواهم کرد. اگر سکوت کند و چیزی نخواهد، بدون درخواست خواهم بخشید. اگر بدی کند، به او رحم خواهم کرد. اگر از من فرار کند، خودم صدایش خواهم زد. اگر برگردد قبولش خواهم کرد. اگر درب خانه ام را بکوبد به رویش خواهم گشود.

امّا اگر شهادت ندهد که خدا و معبودی جز من نیست، یا شهادت بدهد به این، ولی به بندگی و رسالت محمّد شهادت ندهد، یا به هر دو شهادت بدهد، امّا به خلافت

علی بن ابی طالب علیه السـلام شـهادت ندهد، یا به آن ها شـهادت بدهد، ولی شـهادت ندهد که امامان از فرزندان علی علیهم السـلام حجّت هـای من هسـتند، یقیناً نعمت هـای مرا انکـار کرده و بزرگی و عظمت مرا کوچـک شـمرده و به آیـات و کتب آسمانی و پیامبران من کافر شده است.

چنین شخصـی اگر آهنگ (و قصـد) مرا هم کند، محجوبش می کنم. اگر از من در خواست کند محرومش سازم. اگر صدایم کند به سـخنش گوش نخواهم داد. اگر دعایم کند، دعایش را مستجاب نخواهم کرد. اگر امیدی داشته باشد، ناامیدش خواهم کرد. این مجازات او از جانب من است. در حالی که من به بندگانم کوچک ترین ظلم و ستمی نخواهم کرد.

جابر بن عبداللّه انصاری برخاست و عرض کرد:

ای رسول خدا! امامان از فرزندان علی بن ابی طالب چه کسانی هستند؟

پیـامبر خداصـلی الله علیه وآله وسـلم فرمود: حسن و حسـین که دو آقـای جوانان اهل بهشت هسـتند، پس از آنان آقای عبادت کننـدگان در زمان خودش، علی بن حسـین، سـپس باقر، محمّد بن علی، - و تو ای جابر! او را درک خواهی کرد، هرگاه او را دیدی سـلام مرا به وی برسان - پس از او، جعفر بن محمّد الصادق، سـپس کاظم موسـی بن جعفر، و بعد از او علی بن موسـی الرضا، سـپس محمّد بن علی التقی، بعد علی بن محمّد النّقی، بعد حسن بن علی الزّکی و در آخر، فرزندش، قائم به حقّ مهدی امّت من، امام هستند، همان که زمین را از قسط و عدل پر می کند چنان که از ظلم و جور پر شده باشد.

ای جابر! آنان جانشینان و اوصیای من هستند. آنان فرزندان و

عترت من می باشند.

هرکس از آنان اطاعت کند، مرا اطاعت کرده است و آن که نافرمانی شان نماید، نافرمانی مرا نموده و هر که ایشان را، یا حتی یکی از آنان را انکار کند، مرا انکار کرده است.

به واسطه ایشان است که خداوند، آسمان را نگه داشته تا بر زمین نیفتد مگر به اذن او، و به برکت آنان است که خداوند زمین را نگه داشته تا اهلش را نلرزاند.

حدیث نهم

آخرین ستاره امامت أحمد بن علی البندیجی، عن عبد اللّه بن موسی العباسی، عن موسی بن سلام، عن البزنطی، عن عبد الرحمن بن الخشاب، عن أبی عبد اللّه، عن آبائه علیهم السلام قال:

قال رسول اللّه صلی الله علیه وآله وسلم:

مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِى مَثَلُ نُجُوم السَّمآءِ، كُلَّما غابَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ، حَتّى إِذا نَجْمٌ مِنْها طَلَعَ فَرَمَقُوهُ بِالأَعْيُنِ وَأَشَرْتُمْ إِلَيْهِ بِالأَصابعِ، (أَتاهُ مَلَكُ الْمَوْتِ فَذَهَبَتْ بِهِ، ثُمَّ لَبِثْتُمْ فِى ذلِكَ سَبْتاً مِنْ دَهْرِكُمْ) وَاسْتَوَتْ بَنُو عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَلَمْ يَدْرِ أَىَّ مِنْ أَىّ ٍ، فَعِنْدَ ذلِكَ يَبْدُو نَجْمُكُمْ، فَاحْمَدُوا اللَّهَ وَاقْبَلُوهُ.(۱۸)

امام صادق از پدران بزرگوارش علیهم السلام نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآله وسلم فرموده است:

اهل بیت من مانند ستارگان آسمانند، هرگاه ستاره ای غایب شود ستاره دیگری طلوع خواهد کرد. تا آن گاه که ستاره ای از آنان طلوع می کند که همه با چشم و دست خود او را نشان می دهند و اشاره می کنند (و بنای اذیت او را دارند).

آن گاه مدّتی طولانی غیبت می نماید تا وقتی پس فرزندان عبدالمطلب که بنی عباس باشند بر خلایق مستولی می شوند. و کار مردم به هرج و مرج می انجامد.

در این هنگام ستاره شما طلوع می نماید، پس حمد خدا را به جای آورید و آن ستاره را قبول

کنید.

حدیث دهم

هـادی امّت أبوالحسن محمـد بن جعفر بن محمـد التمیمی، عن أحمـد بن محمـد بن مروان الغزال، عن محمـد بن تیم، عن عبد الرحمن بن مهـدی، عن معـاویه بن صالـح، عن عبـد الغفـار بن قاسم، عن أبی مریم، عن أبی هریره، قال: دخلت علی رسول اللَّه صلی الله علیه وآله وسـلم وقد نزلت هذه الآیه «إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ» فقرأها علینا رسول اللَّه صـلی الله علیه وآله وسـلم، ثمّ قال:

أَنَا الْمُنْذِرُ أَ تَعْرِفُونَ الْهادِیَ؟

قُلْنا: لا، یا رَسُولَ اللَّهِ.

قال صلی الله علیه وآله وسلم: هُوَ خاصِفُ النَّعْلِ.

فَطَوَّلَتِ الْأَعْناقُ إِذْ خَرَجَ عَلَیْنا عَلِیٌّ علیه السلام مِنْ بَعْضِ الْحُجَرِ وَبِیَدِهِ نَعْلُ رَسُولِ اللَّه صلی الله علیه وآله وسلم.

ثُمَّ الْتَفَتَ إِلَیْنا رَسُولُ اللَّه صلی الله علیه وآله وسلم فَقالَ:

أَلا إِنَّهُ الْمُبَلِّغُ عَنِّی وَالإِمامُ بَعْدِی وَزَوْجُ ابْنَتِی وَأَبُو سِبْطَی، فَنَحْنُ أَهْلُ بَیْتٍ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنَّا الرِّجْسَ وَطَهَّرَنا مِنَ الدَّنَسِ، یُقاتِلُ بَعْدِی عَلَی التَّأْوِیلِ کَما قاتَلْتُ عَلَی التَّنْزِیلِ، هُوَ الإِمامُ أَبُو الْأَئِمَّهِ الزُّهَرِ.

فَقِیلَ: یا رَسُولَ اللَّهِ! وَکَمِ الْأَئِمَّهُ بَعْدَکَ؟

قالَ صلی الله علیه وآله وسلم: اِثْنا عَشَرَ، عَدَدَ نُقَبآءِ بَنِی إِسْرآئِیلَ، وَمِنّا مَهْدِیُّ هذِهِ الْأُمَّهِ، یَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلاً کَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً، لا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْهُمْ إِلّا ساخَتْ بِأَهْلِها.(۱۹)

هنگـامی که آیه «إِنَّمـا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ» نازل شـد پیامبرصـلی الله علیه وآله وسـلم آن را برای ما قرائت کرد و سپس فرمود:

من انذار کننده و بیم دهنده هستم، آیا شما هادی را می شناسید؟

عرض کردیم: خیر، ای رسول خدا!

پیامبر خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: هادی امّت، همان وصله زننده کفش است.

همه گردن ها کشیده شد و به اطراف نگاه کردند، ناگاه امام علی علیه السلام را دیدیم که از یکی از حجره ها بیرون آمد، در

حالی که کفش رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم به دست ایشان بود.

سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم توجهی به ما نموده، فرمودند: آگاه باشید! که او از جانب من ابلاغ پیام خواهد کرد، او امام پس از من است، شوهر دخترم و پدر دو سبط من است. ما اهل بیتی هستیم که خداوند متعال هر نوع آلودگی را از ما زدوده و ما را پاک و پاکیزه نموده است، او پس از من برای تأویل قرآن مبارزه خواهد کرد، چنان که من برای تنزیل آن جنگ کردم.

علی امام و پدر امامان درخشنده و آشکار است.

عرض شد: امامان بعد از شما چند نفرند؟

فرمود: دوازده نفر، به عدد نقیبان بنی اسرائیل. و از ماست مهدیِ این امّت، که خداوند به وسیله او زمین را از عدل و داد پر می کند، چنان که از ظلم و جور پر شده باشد. زمین هیچ گاه از امامان خالی نخواهد شد و الا اهلش را فرو خواهد برد.

حدیث یازدهم

مهدی علیه السلام خلیفه اللّه است حدّثنا محمد بن موسی بن المتوکّل قال: حدّثنا محمد بن أبی عبد اللّه الکوفی، قال: حدّثنا موسی بن عمران النخعی، عن عمّه الحسین بن یزید، عن الحسن بن علیّ بن سالم، عن أبیه، عن أبی حمزه، عن سعید بن جبیر، عن عبد اللّه بن عباس قال:

قال رسول اللّه صلی الله علیه وآله وسلم:

إِنَّ اللّهَ تَبارَکَ وَتَعالی اِطَّلَعَ إِلَی الْأَرْضِ اطّلاعَهً فَاخْتارَنی مِنْها فَجَعَلَنِی نَبِیّاً، ثُمَّ اطَّلَعَ الثّانِیَهَ فَاخْتارَ مِنْها عَلِیّاً فَجَعَلَهُ إِماماً، ثُمَّ أَمَرَنی أَنْ أَتَّخِذَهُ أخاً وَوَلِیّاً وَوَصِیّاً وَخَلِیفَهً وَوَزِیراً. فَعَلِیٌّ مِنّی وَأَنَا مِنْ عَلِیٍّ وَهُوَ زَوْجُ ابْنَتِی وَأَبُو سِبْطَی الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ.

أَلا وَإِنَّ اللّهَ تَبارَکَ وَتَعالی

جَعَلَنِی وَإِیّاهُمْ حُجَجاً عَلی عِبادِهِ وَجَعَلَ مِنْ صُلْبِ الْحُسَیْنِ أَئِمَّهً یَقُومُونَ بِأَمْری وَیَحْفَظُونَ وَصِیَّتِی، اَلتّاسِعُ مِنْهُمْ قآئِمُ أَهْلِ بَیْتِی وَمَهْدِیُّ أُمَّتِی، أَشْبَهُ النّاسِ بِی فِی شَمآئِلِهِ وَأَقْوالِهِ وَأَفْعالِهِ، یَظْهَرُ بَعْدَ غَیْبَهٍ طَوِیلَهٍ وَحَیْرَهٍ مُضِلَّهٍ، فَیُعْلِنُ أَمْرَ اللَّهِ وَیُظْهِرُ دِینَ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ، یُؤَیِّدُ بِنَصْرِ اللَّهِ وَیَنْصُرُ بِمَلآئِکَهِ اللَّهِ، فَیَمْلأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلاً کَما مُلِئَتْ جَوْراً وَظُلْماً.(۲۰)

پیامبر عظیم الشأن اسلام صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

خداوند متعال نظری به زمین افکند و از آن میان، مرا برگزید و پیامبر خود گردانید.

بار دیگر نظری افکند و علی را برگزید و او را امام قرار داد.

سپس به من فرمان داد که او را برادر، ولی، وصی و خلیفه خود سازم.

پس علی از من و من از علی ام، او شوهر دخترم، فاطمه است و پدر دو سبط من، حسن و حسین می باشد.

آگاه باشید! خداوند متعال مرا و ایشان را حجّت های خود بر بندگانش قرار داده است، و نیز از نسل حسین، امامانی را قرار داده که به امر من قیام می کنند و وصیت مرا حفظ می نمایند. نهمین آنان قائم اهل بیت من است، او مهدی امّت من است، همان که در شکل و شمایل و گفتار و رفتار، شبیه ترین مردم به من است. وی بعد از غیبت طولانی و حیرتی گمراه کننده ظهور خواهد کرد و امر و فرمان خداوند را اعلان می دارد و دین وی را آشکار می سازد.

او به یاری خداوند مؤیّد می گردد و به نصرت فرشتگان کمک می شود. پس زمین را از قسط و عدل پر می نماید، چنان که از جور و ظلم پر شده باشد.

حدیث دوازدهم

مهدی علیه السلام ذوالقرنین امّت من است حدّثنا أبوطالب المظفّر بن جعفر بن

المظفّر العلوی السمرقندی، قال: حدّثنا جعفر بن محمد بن مسعود، عن أبیه، قال: حدّثنی محمد بن نصیر، قال: حدّثنا محمد بن عیسی، عن حماد بن عیسی، عن عمرو بن شمر، عن جابر بن یزید الجعفی، عن جابر بن عبد اللّه الأنصاری قال:

سمعت رسول اللّه صلی الله علیه وآله وسلم یقول:

إِنَّ ذَا الْقَرْنَیْنِ کانَ عَبْداً صالِحاً، جَعَلَهُ اللّهُ عَزَّوَجَلَّ حُجَّهً عَلی عِبادِهِ، فَدَعا قَوْمَهُ إِلَی اللّهِ وَأَمَرَهُمْ بِتَقْواهُ، فَضَرَبُوهُ عَلی قَرْنِهِ، فَغابَ عَنْهُمْ زَماناً حَتّی قِیلَ ماتَ أَوْ هَلَکَ، بِأَیِّ وادٍ سَلَکَ. ثُمَّ ظَهَرَ وَرَجَعَ إِلی قَوْمِهِ فَضَرَبُوهُ عَلی قَرْنِهِ الآخَرِ، وَفِیکُمْ مَنْ هُوَ عَلی سُنَّتِهِ، وَإِنَّ اللّهَ عَزَّوَجَلَّ مَکَّنَ لِذِی الْقَرْنَیْنِ فِی الْأَرْضِ، وَجَعَلَ لَهُ مِنْ کُلِّ شَیْ ءٍ سَبَباً، وَبَلَغَ الْمَغْرِبَ وَالْمَشْرِقَ، وَإِنَّ اللّهَ تَبارَکَ وَتَعالی سَیَجْرِی سُنَّتَهُ فِی الْقآئِمِ مِنْ وُلْدِی، فَیَبْلُغُهُ شَرْقَ الْأَرْضِ وَغَرْبَها حَتّی لا یَبْقی مَنْهَلًا وَلا مَوْضِعاً مِنْ سَهْلٍ وَلا جَبَلٍ وَطَأَهُ ذُوالْقَرْنَیْنِ إِلّا وَطَأَهُ، وَیَظْهَرُ اللّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ کُنُوزَ الْأَرْضِ وَمَعادِنَها، وَیَنْصُرُهُ بِالرُّعْبِ فَیَمْلَأُ الْأَرْضَ بِهِ عَدْلاً وَقِسْطاً کَما مُلِئَتْ جَوْراً وَظُلْماً.(۲۱)

جابر بن عبد اللّه انصاری می گوید: از پیامبر خداصلی الله علیه وآله وسلم شنیدم که می فرمود:

همانا ذوالقرنین بنده صالح خدا بود که خداوند متعال او را حجّت بر بندگانش قرار داده بود.

ذوالقرنین قوم خود را به سوی خدا دعوت کرد، و به آنان فرمود: تقوای خدا را مراعات کنید.

امّا آنان بر طرفی از پیشانی اش زده و او را از خود راندند.

پس از بین ایشان غایب شد، و غیبت وی به قدری طولانی گشت که برخی گفتند از دنیا رفته، برخی دیگر گفتند کشته شده و بعضی هم گفتند معلوم نیست در کدام وادی و بیابان است.

ذوالقرنین پس از مدتی

غیبت، ظهور کرد و به سوی قومش بر گشت. پس قوم او به طرف دیگر پیشانی اش زدند.

در بین شما هم کسی هست که بر سنّت و روش ذوالقرنین خواهد بود.

خداوند عظیم الشأن به ذوالقرنین تمکّن و پادشاهی در زمین را عطا فرمود و برای او از هر چیزی راهی قرار داد. و پادشاهی اش از غرب تا شرق عالم را فرا گرفت. خداوند متعال همین سنّت و روش را در قائم از فرزندان من نیز جاری خواهد کرد. پس او را بر شرق و غرب عالم حاکم خواهد کرد، به گونه ای که هیچ طریق و مکانی از پستی و بلندی که ذوالقرنین بر آن قدم گذاشته نخواهد ماند مگر این که قائم ما هم بر آن قدم می گذارد.

خداوند گنج های زمین و معادن آن را برایش ظاهر می کند و با ترس و رُعبی که در دل دشمنانش می اندازد، وی را پیروز می نماید. پس به وسیله او زمین را از عدل وقسط پر می کند، چنان که از ظلم و ستم پر شده باشد.

حدیث سیزدهم

مهدی علیه السلام از عترت و اهل بیت من است عن الحسن بن الحسین، عن سفیان الجریری، عن عبد المؤمن، عن الحارث بن حصیره، عن عماره بن جوین العبدی، عن أبی سعید الخدری قال:

سمعت رسول اللَّه صلی الله علیه وآله وسلم یقول علی المنبر:

إِنَّ الْمَهْدِیَّ مِنْ عِتْرَتِی مِنْ أَهْلِ بَیْتِی، یَخْرُجُ فِی آخِرِ الزَّمانِ، تَنْزِلُ لَهُ السَّمآءُ قَطْرَها، وَتَخْرُجُ لَهُ الْأَرْضُ بَذْرَها، فَیَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلاً وَقِسْطاً کَما مَلَأَهَا الْقَوْمُ ظُلْماً وَجَوْراً.(۲۲)

ابو سعید خدری می گوید: از پیامبر خداصلی الله علیه وآله وسلم شنیدم که بر منبر می فرمود:

به درستی که مهدی از عترت و اهل بیت من است، در آخر الزمان ظهور

می کند، آسمان قطرات باران خود را برای او نازل می نماید و زمین دانه ها و گیاهان خود را برای او می رویاند.

پس در تمام زمین، عدل و قسط را به پا می دارد، همان گونه که دیگران آن را از ظلم و جور پر کرده باشند.

حدیث چهاردهم

مهدی علیه السلام از برگزیدگان است.

حدّثنا غیر واحد من أصحابنا قالوا: حدّثنا أبوعلی محمد بن همام، قال: حدّثنا عبد اللّٰه بن جعفر، عن أحمد بن هلال، عن محمد بن أبی عمیر، عن سعید بن غزوان، عن أبی بصیر، عن أبی عبد اللّٰه عن آبائه علیهم السلام قال:

قال رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله وسلم:

إِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ اخْتارَ مِنَ الْأَیّامِ الْجُمُعَهَ، وَمِنَ الشُّهُورِ شَهْرَ رَمَضانَ، وَمِنَ اللَّیالِی لَیْلَهَ الْقَدْرِ، وَاخْتارَنِی عَلی جَمِیعِ الْأَنْبِیآءِ، وَاخْتارَ مِنِّی عَلِیّاً وَفَضَّلَهُ عَلی جَمِیعِ الْأَوْصِیآءِ، وَاخْتارَ مِنْ عَلِیٍّ الْحَسَنَ وَالْحُسَیْنَ، وَاخْتارَ مِنَ الْحُسَیْنِ الْأَوْصِیآءَ مِنْ وُلْدِهِ، یَنْفُونَ عَنِ التَّنْزِیلِ تَحْرِیفَ الْغالِینَ، وَانْتِحالَ الْمُبْطِلِینَ وَتَأْوِیلَ الْمُضِلِّینَ، تاسِعُهُمْ قآئِمُهُمْ وَهُوَ ظاهِرُهُمْ وَهُوَ باطِنُهُمْ.(۲۳)

امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش علیهم السلام روایت می کند که رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

خدای متعال از روزها، روز جمعه را و از ماه ها، ماه رمضان و از شب ها، شب قدر را برگزید، و از میان همه انبیا، مرا برگزید، و از میان خاندان من، علی را برگزید و او را بر همه اوصیا برتری داد، و از خاندان علی، حسن و حسین را برگزید، و از خاندان حسین، اوصیای از فرزندان او را برگزید، و آنان از قرآن کریم تحریف غلو کنندگان و نسبت ناروای باطل گویان و تأویل گمراه کنندگان را دفع می کنند. و نهمین آنان، قائم ایشان است و او ظاهر و باطن ایشان است.

حدیث پانزدهم

مژدگانی به امام علی علیه السلام أحمد بن هوذه، عن النهاوندی، عن عبد اللّٰه بن حماد، عن أبان بن عثمان، قال: قال أبو عبد اللّٰه علیه السلام:

بَیْنَا رَسُولُ اللّٰهِ صلی الله علیه وآله وسلم ذاتَ یَوْمٍ بِالْبَقِیعِ، فَأَتاهُ عَلِیٌّ فَسَلَّمَ عَلَیْهِ، فَقالَ لَهُ رَسُولُ اللّٰهِ صلی الله علیه

وآله وسلم: اِجْلِسْ، فَأَجْلَسَهُ عَنْ يَمِينِهِ.

ثُمَّ جآءَ جَعْفَرُ بْنُ أَبِى طالِبٍ، فَسَأَلَ عَنْ رَسُولِ اللَّه صلى الله عليه وآله وسلم، فَقِيلَ: هُوَ بِالْبَقِيعِ، فَأَتاهُ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ فَأَجْلَسَهُ عَنْ يَسارِهِ.

ثُمَّ جآءَ الْعَبّاسُ فَسَأَلَ عَنْهُ، فَقِيلَ: هُوَ بِالْبَقِيعِ، فَأَتاهُ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ وَأَجْلَسَهُ أَمامَهُ.

ثُمَّ الْتَفَتَ رَسُولُ اللَّه صلى الله عليه وآله وسلم إِلى عَلِيٍ عليه السلام فَقالَ:

أَلا أُبَشِّرُكَ! أَلا أُخْبِرُكَ يا عَلِيُّ!

قالَ: بَلى يا رَسُولَ اللَّهِ!

فَقالَ صلى الله عليه وآله وسلم: كانَ جَبْرَئِيلُ عِنْدِى آنِفاً، وَخَبَّرَنِى أَنَّ الْقآئِمَ الَّذِى يَخْرُجُ فِى آخِرِ الزَّمانِ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلاً كَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً مِنْ ذُرِّيَّتِکَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ – عليهم السلام –.

فَقالَ عَلِيٌّ عليه السلام: يا رَسُولَ اللَّهِ! ما أَصابَنا خَيْرٌ قَطُّ مِنَ اللَّهِ إِلّا عَلى يَدَيْکَ.

ثُمَّ الْتَفَتَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم فَقالَ:

يا جَعْفَرُ! أَلا أُبَشِّرُكَ؟!

قالَ: بَلى يا رَسُولَ اللَّهِ!

فَقالَ صلى الله عليه وآله وسلم: كانَ جَبْرَئِيلُ عِنْدِى آنِفاً، فَأَخْبَرَنِى أَنَّ الَّذِى يَدْفَعُها إِلَى الْقآئِمِ هُوَ مِنْ ذُرِّيَّتِکَ، أَ تَدْرِى مَنْ هُوَ؟!

قال: لا.

قال صلى الله عليه وآله وسلم: ذاكَ الَّذِى وَجْهُهُ كَالدِّينارِ وَأَسْنانُهُ كَالْمِنْشارِ وَسَيْفُهُ كَحَرِيقِ النّارِ، يَدْخُلُ الْجَبَلَ ذَلِيلاً وَيَخْرُجُ مِنْهُ عَزِيزاً، يَكْتَنِفُهُ جَبْرَئِيلُ وَمِيكآئِيلُ.

ثُمَّ الْتَفَتَ إِلَى الْعَبّاسِ فَقالَ:

يا عَمَّ النَّبِيِّ! أَلا أُخْبِرُكَ بِما أَخَبَرنِى جَبْرَئِيلُ؟!

فَقالَ: بَلى يا رَسُولَ اللَّهِ!

قالَ صلى الله عليه وآله وسلم: قالَ لِى وَيْلٌ لِذُرِّيَّتِکَ مِنْ وُلْدِ الْعَبّاسِ.

فَقالَ: يا رَسُولَ اللَّهِ! أَفَلا أَجْتَنِبُ النِّسآءَ؟!

قالَ لَهُ صلی الله علیه وآله وسلم: قَدْ فَرَغَ اللَّهُ مِمّا هُوَ کائِنٌ.(۲۴)

امام صادق علیه السـلام نقل می فرماید: در یکی از روزها که رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم در بقیع تشریف داشتند، علی علیه السلام نیز به خدمت ایشان رسید و سلام کرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم به وی فرمود:

بنشین.

پس او را در سمت راست خویش نشاند.

سپس جعفر بن ابی

طالب آمد، سؤال کرد رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم کجا تشریف دارند، جواب دادند: ایشان در بقیع هستند.

پس به خدمت ایشان رسید، سلام کرد. پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم نیز او را در سمت چپ خود نشاند.

بعد از آن عباس آمد، گفت: رسول خدا کجاست؟

گفته شد: در بقیع تشریف دارند.

عباس هم به خدمت پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم رسید و سلام کرد و حضرت نیز او را مقابل خود نشاند.

پس از این پیامبر خداصلی الله علیه وآله وسلم توجّهی به امیرالمؤمنین علیه السلام کرده، فرمود:

ای علی! آیا می خواهی مژده ای به تو بدهم؟ آیا تو را از چیزی با خبر کنم؟

امام علیه السلام عرض کرد: بفرمایید، ای رسول خدا!

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: لحظاتی پیش جبرئیل نزد من بود و به من خبر داد: آن قائمی که در آخر الزمان ظهور می کند و زمین را از عدل پر می نماید، همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد، او از نسل تو و از فرزندان حسین است.

امام علی علیه السلام گفت: ای رسول خدا! هیچ خیری از جانب خدا به ما نمی رسد، مگر این که به دست شما و توسط شما خواهد بود.

پیامبر خداصلی الله علیه وآله وسلم بعد از آن، رو به جعفر بن ابی طالب کرده، فرمودند:

ای جعفر! آیا می خواهی به تو مژده بدهم؟ آیا می خواهی تو را از چیزی آگاه سازم؟

عرض کرد: بفرمایید، ای رسول خدا!

رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: لحظاتی پیش جبرئیل نزد من آمد و گفت: کسی که پرچم را به دست قائم خواهد داد، از ذریه و نسل توست، آیا او را می شناسی؟

جعفر گفت: خیر.

پیامبر خداصلی الله

علیه وآله وسلم فرمود: او کسی است که چهره اش مانند دینار، درخشان است و دندان هایش مانند شانه و شمشیرش همانند گداخته آتش است، با ذلّت داخل کوه می شود امّا با عزّت بیرون می آید و جبرئیل و میکائیل از او محافظت خواهند کرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم سپس رو به عباس کرده، فرمودند:

ای عموی پیامبر! آیا تو را آگاه کنم از آنچه که جبرئیل به من خبر داده است؟

عرض کرد: بفرمایید، ای رسول خدا!

پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: جبرئیل گفت: وای بر ذریّه و فرزندان تو از جور و ستم فرزندان عباس (بنی عباس).

عباس گفت: ای رسول خدا! من بعد از این از معاشرت با زنان اجتناب خواهم کرد.

پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: خدا از آنچه شدنی است، فارغ گشته و قضای الهی حتمی شده است.

حدیث شانزدهم

مژدگانی به فاطمه، مهدی از ماست جماعه، عن التلعکبری، عن أحمد بن علی، عن أحمد بن إدریس، عن ابن عیسی، عن الأهوازی، عن الحسین بن علوان، عن أبی هارون العبدی، عن أبی سعید الخدری فی حدیث له طویل اختصرناه قال:

قالَ رَسُولُ اللَّه صلی الله علیه وآله وسلم لِفاطِمَةَ:

یا بُنَیَّهَ! إنّا أُعْطِینا أَهْلُ الْبَیْتِ سَبْعاً لَمْ یُعْطَها أَحَدٌ قَبْلَنا. نَبِیُّنا خَیْرُ الْأَنْبِیآءِ وَهُوَ أَبُوکَ وَوَصِیُّنا خَیْرُ الْأَوْصِیآءِ وَهُوَ بَعْلُکَ وَشَهیدُنا خَیْرُ الشُّهَدآءِ وَهُوَ عَمُّ أَبِیکَ حَمْزَهُ وَمِنّا مَنْ لَهُ جَناحانِ خَضِیبانِ یَطِیرُ بِهِما فِی الْجَنَّهِ وَهُوَ ابْنُ عَمِّکَ جَعْفَرُ وَمِنّا سِبْطا هذِهِ الْأُمَّهِ وَهُما ابْناکَ الْحَسَنُ وَالْحُسَیْنُ وَمِنّا وَاللَّهِ الَّذِی لا إِلهَ إِلّا هُوَ مَهْدِیُّ هذِه الْأُمَّهِ الَّذِی یُصَلِّی خَلْفَهُ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ.

ثُمَّ ضَرَبَ بِیَدِهِ عَلی مِنْکَبِ الْحُسَیْنِ علیه السلام، فَقالَ مِنْ هذا ثَلاثاً.(۲۵)

پیامبر خداصلی الله علیه وآله وسلم

به دخترش فاطمه زهراعلیها السلام فرمودند:

ای دخترم! به ما اهل بیت هفت چیز عطا شده که قبل از ما به هیچ کس دیگری داده نشده است:

- پیامبر ما، بهترین پیامبران است که او پدرت می باشد.

- وصی ما، بهترین وصی است که او شوهرت می باشد.

- شهید ما، بهترین شهیدان است و او عموی پدرت، حمزه است.

- از ماست، آن که با دو بال در بهشت پرواز می کند و او پسر عمویت جعفر است.

- دو سبط این امّت از مایند که آنان حسن و حسین، فرزندان تو می باشند.

- و قسم به خدایی که جز او خدایی نیست! مهدی این امّت از ماست، همان که عیسی بن مریم، پشت سرش به نماز می ایستد.

سپس به شانه حسین زد و سه بار فرمود:

از فرزندان او است.

حدیث هفدهم

مهدی علیه السلام از فرزندان فاطمه علیها السلام المفید، عن إسماعیل بن یحیی العبسی، عن محمد بن جریر الطبری، عن محمد بن إسماعیل الصواری، عن أبی الصلت الهروی، عن الحسین الأشقر، عن قیس بن الربیع، عن الأعمش، عن عبایه بن ربعی، عن أبی أیوب الأنصاری قال:

قالَ رَسُولُ اللَّه صلی الله علیه وآله وسلم لِفاطِمَةَ فِی مَرَضِهِ:

وَالَّذِی نَفْسِی بِیَدِهِ لا بُدَّ لِهذِهِ الْأُمَّهِ مِنْ مَهْدِیٍّ وَهُوَ وَاللَّهِ مِنْ وُلْدِكِ.(۲۶)

پیامبر عظیم الشأن صلی الله علیه وآله وسلم آن گاه که در بستر بیماری بودند، به دخترش فاطمه علیها السلام فرمودند:

سوگند به آن که جانم به دست اوست! حتماً برای این امّت «مهدی» خواهد بود، به خدا قسم که او از فرزندان تو می باشد.

حدیث هجدهم

مهدی علیه السلام از فرزندان امام حسین علیه السلام بإسناد التمیمی، عن الرضا، عن آبائه، عن علی علیهم السلام قال:

قالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه وآله وسلم:

لا تَذْهَبُ الدُّنْيا حَتّی یَقُومُ بِأَمْرِ أَمَّتِی رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ، یَمْلَأَها عَدْلاً کَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً.(۲۷)

امام رضا از قول پـدران بزرگوارش علیهم السـلام و ایشان از حضـرت علی علیه السـلام نقل کرده اند که پیامبر اکرم صـلی الله علیه وآله وسلم فرموده است:

دنیا تمام نخواهـد شـد تا این که مردی از اولاد [امام]حسـین علیه السـلام برای امر امّت من قیام نمایـد، زمین را پر از عـدل می کند، چنان که از ظلم و جور پر شده باشد.

حدیث نوزدهم

مهدی علیه السلام از صلب حسین علیه السلام است حدّثنا محمد بن علی ماجیلویه قال: حدّثنی عمّی محمد بن أبی القاسم، عن أحمد بن أبی عبد اللَّه البرقی، عن محمد بن علی القرشی، عن محمد بن سنان، عن المفضّل بن عمر، عن أبی حمزه الثمالی، عن أبی جعفر محمد بن علیّ الباقر، عن أبیه علیّ بن الحسـین، عن أبیه الحسین بن علیّ – علیهم السلام – قال: دخلت أنا وأخی علی جدّی رسول اللَّه صـلی الله علیه وآله وسـلم، فأجلسـنی علی فخذه، وأجلس أخی الحسن علی فخذه الأخری، ثمّ قبّلنا وقال صـلی الله علیه وآله وسلم:

بِأَبِی أَنْتُما مِنْ إِمامَیْنِ صالِحَیْنِ اخْتارَکُمَا اللَّهُ مِنِّی وَمِنْ أَبِیکُما وَأُمِّکُما، وَاخْتارَ مِنْ صُـلْبِکَ یا حُسَـیْنُ تِسْـعَهَ أَئِمَّهٍ، تاسِعُهُمْ قآئِمُهُمْ، وَکُلُّهُمْ فِی الْفَضْلِ وَالْمَنْزِلَهِ عِنْدَ اللَّهِ تَعالی سَوآءٌ.(۲۸)

امام حسـین علیه السلام روایت می کند که من و برادرم به محضر جدّم رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم شرفیاب شدیم، آن حضرت مرا بر یک زانو و برادرم حسن را بر زانوی دیگرش نشاند، ما را بوسیده، فرمود:

پدرم به قربان شما دو امام شایسته باد!

خدای تعالی شما را از وجود من و پدرتان اختیار کرد، ای حسین! خداوند از صلب تو، نُه امام برگزید که نهمین آنها قائم ایشان است و همه آنها در فضیلت و منزلت نزد خدای متعال برابرند.

فصل دوم: دوران غیبت

حدیث بیستم

غیبت، حتمی و طولانی است ابن المتوکل، عن علی، عن أبیه، عن الهروی، عن الرضا، عن آبائه علیهم السلام قال:

قالَ النَّبِیُ صلی الله علیه وآله وسلم:

وَالَّذِی بَعَثَنِی بِالْحَقِ بَشِیراً لَیَغِیبَنَّ الْقائِمُ مِنْ وُلْدِی بِعَهْدٍ مَعْهُودٍ إِلَیْهِ مِنِّی، حَتّی یَقُولُ أَکْثَرُ النّاسِ ما لِلَّهِ فِی آلِ مُحَمَّدٍ حاجَهٌ وَیَشُکُّ آخَرُونَ فِی وِلادَتِهِ فَمَنْ أَدْرَکَ زَمانِهِ فَلْیَتَمَسَّکْ بِدِینِهِ وَلا یَجْعَلْ لِلشَّیْطانِ إِلَیْهِ سَبِیلاً بِشَکِّهِ فَیُزِیلُهُ عَنْ مِلَّتِی وَیُخْرِجُهُ مِنْ دِینِی فَقَدْ أَخْرَجَ أَبَوَیْکُمْ مِنَ الْجَنَّهِ مِنْ قَبْلُ وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ الشَّیاطِینَ أَوْلِیاءَ لِلَّذِینَ لا یُؤْمِنُونَ(۲۹)

امام رضا از پدران بزرگوارش علیهم السلام نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرموده است:

سوگند به آن که مرا از روی حقیقت و برای بشارت مردم، به پیامبری برانگیخت، حتماً قائم از فرزندان من غایب خواهد شد تا مدتی که با او عهد کرده ام.

(این غیبت آن قدر طول می کشد که) اکثر مردم می گویند: خدا را به آل محمّد نیازی نیست. برخی نیز در ولادت او شک می کنند.

پس هرکه آن زمان را درک کرد، باید به دین او متمسک شود و با شک و تردید، شیطان را بر خود غالب نکند که در این صورت او را از ملّت من بیرون می کند و او را از دین من خارج می نماید. (و بدانید که این شیطان) همان است که پدرو مادر شما را قبلاً از بهشت بیرون کرده بود. البته خداوند متعال شیطان را فقط بر کسانی

که ایمان نیاورند، مسلّط خواهد کرد.

حدیث بیست و یکم

دوران غیبت و ظهور ناگهانی أبی وابن الولید وابن المتوکل جمیعا، عن سعد والحمیری ومحمد العطار جمیعا، عن ابن عیسی و ابن هاشم والبرقی وابن أبی الخطاب جمیعا، عن ابن محبوب، عن داود بن الحصین، عن أبی بصیر، عن الصادق، عن آبائه علیهم السلام قال:

قال رَسُولُ اللَّه صلی الله علیه وآله وسلم:

اَلْمَهْدِیُّ مِنْ وُلْدِی، اِسْمُهُ اسْمِی وَکُنْیَتُهُ کُنْیَتِی، أَشْبَهُ النّاسِ بِی خَلْقاً وَخُلْقاً تَکُونُ لَهُ غَیْبَهً وَحَیْرَهً، حَتّی یَضِلُّ الْخَلْقُ عَنْ أَدْیانِهِمْ، فَعِنْدَ ذلِکَ یُقْبِلُ کَالشِّهابِ الثّاقِبِ، فَیَمْلَؤُها عَدْلاً وَقِسْطاً کَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً(۳۰)

پیامبر عظیم الشأن صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

مهدی از فرزندان من است، نام او نام من است و کنیه اش کنیه من است. شبیه ترین مردم به من است، از جهت سیرت و صورت (خلقت و اخلاق).

غیبتی برای او خواهد بود که دوران حیرت و سرگردانی است، تا به حدّی که مردم از دین خودشان گمراه می شوند.

امّا در همین وقت مهدی رو می کند و به سرعت شهاب ثاقب (سریع) ظهور می نماید. پس زمین را پر از عدل و داد می کند، همان طور که از ظلم و جور پر شده باشد.

حدیث بیست و دوم

مؤمنان واقعی حدثنا ابوالحسن محمد بن علی بن الشاه الفقیه المروروذیّ بمروالروذ قال: حدثنا ابو حامد أحمد بن محمد ابن الحسین قالک حدثنا أبو یزید أحمد بن خالد الخالدی قال: حدثنا محمد بن أحمد بن صالح التمیمی قال: حدثنا محمد بن حاتم القطان عن أبی حماد بن عمرو ، عن الإمام جعفر بن محمد، عن أبیه، عن جدّه، عن علی بن أبی طالب علیهم السلام فی حدیث طویل فی وصیه النبی صلی الله علیه وآله وسلم یذکر فیها:

أن رسول اللَّه صلی الله علیه وآله وسلم قال له:

یا عَلِیُّ وَاعْلَمْ

أَنَّ أَعْجَبَ النّاسِ إِيماناً وَ أَعْظَمَهُمْ يَقِيناً قَوْمٌ يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمانِ، لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيّ وَحَجَبَ عَنْهُمُ الْحُجَّهُ، فَآمَنُوا بِسَوادٍ عَلى بَياضٍ.(۳۱)

امام صادق از پدران بزرگوارش و از علی بن ابی طالب علیه السلام در حدیثی طولانی که وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم را ذکر می کند روایت کرده است که رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم به علی علیه السلام فرمودند:

ای علی بدان که شگفت انگیزترین مردم از جهت ایمان و عظیم ترین آنان از حیث یقین، مردمی هستند که در آخرالزمان خواهند بود، پیامبر را ندیده اند و از امام نیز محجوبند، امّا به سیاهی بر روی سفیدی ایمان آورده اند.

حدیث بیست و سوم

منتظران واقعی کم اند

ابن المتوکل، عن الأسدی، عن البرمکی، عن علی بن عثمان، عن محمد بن الفرات، عن ثابت بن دینار، عن سعید بن جبیر، عن ابن عباس قال:

قالَ رَسُولُ اللَّه صلی الله علیه وآله وسلم:

عَلِيُّ بْنُ أَبِي طالِبٍ إِمامُ أُمَّتِي وَخَلِيفَتِي عَلَيْهِمْ بَعْدِي، وَمِنْ وُلْدِهِ الْقائِمُ الْمُنْتَظَرُ الَّذِي يَمْلَأُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلاً وَقِسْطاً كَما مُلِئَتْ جَوْراً وَظُلْماً، وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِ بَشِيراً إِنَّ الثّابِتِينَ عَلَى الْقَوْلِ بِهِ فِي زَمانِ غَيْبَتِهِ لأَعَزُّ مِنَ الْكِبْرِيتِ الْأَحْمَرِ.

فَقامَ إِلَيْهِ جابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصارِي فَقالَ:

يا رَسُولَ اللَّهِ! وَلِلْقائِمِ مِنْ وُلْدِكَ غَيْبَةٌ.

فَقالَ صلی الله علیه وآله وسلم: إِي وَرَبِّي وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكافِرِينَ، يا جابِرُ! إِنَّ هذَا الأَمْرَ مِنْ أَمْرِ اللَّه، وَسِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ، مَطْوِيٌّ عَنْ عِبادِهِ، فَإِيّاكَ وَالشَّكَّ فِي أَمْرِ اللَّهِ فَهُوَ كُفْرٌ.(۳۲)

پیامبر خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

علی بن ابی طالب علیه السلام امام و پیشوای امّت من است و خلیفه من بر آنان بعد از من می باشد.

«قائم» از فرزندان اوست، همان که منتظر است تا خداوند عزیز

به وسیله او زمین را پر از عدل و داد کند همان طور که از ظلم و جور پر شده باشد.

قسم به آن که مرا به حقّ و برای بشارت مردم، به پیامبری برانگیخت! به درستی که آنان که در زمان غیبت قائم، بر قول به او و امامت او ثابت می مانند و اعتقاد دارند، کمیاب تر از کبریت احمر(یاقوت سرخ) می باشند.

جابر بن عبداللَّه انصاری برخاست و گفت: ای رسول خدا! آیا برای قائم که از فرزندان شماست غیبتی خواهد بود؟

پیامبر خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمود: آری، به خدا قسم! «و خداوند در آن موقع مؤمنان را در بوته امتحان خالص می گرداند و کافران را زایل و باطل می کند».

ای جابر! این امری از امور خداست و سرّی از اسرار الهی است که از بندگان خود پوشانیده است. پس بپرهیز از شک و تردید در امر خدا که موجب کفر می شود.

حدیث بیست و چهارم

مرگ با انکار قائم، مرگ جاهلیّت است الورّاق، عن الأسدی، عن النخعی، عن النوفلی، عن غیاث بن إبراهیم، عن الصادق، عن آبائه علیهم السلام قال:

قالَ رَسُولُ اللَّه صلی الله علیه وآله وسلم:

مَنْ أَنْكَرَ الْقائِمَ مِنْ وُلْدِی فِی زَمانِ غَیْبَتِهِ ماتَ مِیتَةً جاهِلِیَّةً.(۳۳)

امام صادق از پدران بزرگوارش علیهم السلام بازگو می کند که پیامبر عظیم الشأن صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

هر کس «قائم» را که از فرزندان من است در زمان غیبت او انکار نماید، مردن او به مرگ جاهلیت خواهد بود.

حدیث بیست و پنجم

فدای آن تنهای یگانه!

أخبرنی أبو القاسم جعفر بن محمد، عن محمد بن یعقوب، عن علی بن إبراهیم بن هاشم، عن أبیه و علی بن محمد القاسانی جمیعا عن زکریا بن یحیی بن النعمان، قال: سمعت علی بن جعفر بن محمد یحدث الحسن بن الحسین بن علی بن الحسین، فقال فی حدیثه: لقد نصر اللَّه أبا الحسن الرضاعلیه السلام لما بغی علیه إخوته وعمومته. و ذکر حدیثا طویلا حتی انتهی إلی قوله: فقمت و قبضت علی ید أبی جعفر محمد بن علی الرضاعلیه السلام وقلت له: أشهد أنك إمام عند اللَّه فبکی الرضاعلیه السلام ثُمَّ قال:

یا عَمِّ أَ لَمْ تَسْمَعْ أَبِی وَهُوَ یَقُولُ:

قالَ رَسُولُ اللَّه صلى الله عليه وآله وسلم:

بِأَبِى ابْنُ خِيَرَهِ الإِمآءِ النَّوْبِيَهِ الطَّيِّبَهِ، يَكُونُ مِنْ وُلْدِهِ الطَّرِيدُ الشَّرِيدُ الْمَوْتُورُ بِأَبِيهِ وَجَدِّهِ صاحِبُ الْغَيْبَهِ، فَيُقالُ ماتَ أَوْ هَلَكَ أَىّ وادٍ سَلَكَ.

فَقُلْتُ: صَدَقْتَ، جُعِلْتُ فِداكَ.(۳۴)

امام رضاعليه السلام به عموى خود فرمود: اى عمو! آيا از پدرم نشنيدى كه مى فرمود:

پيامبر خداصلى الله عليه وآله وسلم فرموده است:

پـدرم به فـداى فرزنـد بهترين كنيزان مغربى و پاك، كه از فرزندان اوست آن تنهاى رانده شده كه انتقام خون پدر و جدّش را مى گيرد،

صاحب غیبتی که در مورد او می گویند: از دنیا رفته است، یا کشته شده است، و معلوم نیست در کدام وادی و بیابان به سر می برد.

گفتم: درست می فرمایید، فدای شما بشوم!

حدیث بیست و ششم

انتظار فرج، بهترین اعمال عن محمد بن مسعود، عن جعفر بن معروف، قال: أخبرنی محمد بن الحسین، عن جعفر بن بشیر، عن موسی بن بکر الواسطی، عن أبی الحسن، عن آبائه علیهم السلام:

أَنَّ رَسُولَ اللَّه صلی الله علیه وآله وسلم قالَ:

أَفْضَلُ أَعْمالِ أُمَّتِی انْتِظارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.(۳۵)

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

بهترین اعمال امّت من، انتظار فرج از جانب خداوند عظیم الشأن است.

حدیث بیست و هفتم

تأسف و سرگردانی عن محمد بن الحنفیه عن أمیرالمؤمنین علیه السلام:

عَنِ النَّبِیّ صلی الله علیه وآله وسلم أَنَّهُ قالَ:

یا عَلِیُّ! أَنْتَ مِنِّی وَ أَنا مِنْکَ وَ أَنْتَ أَخِی وَ وَزِیری. فَأِذا مِتُّ ظَهَرَتْ لَکَ ضَغائِنُ فِی صُدُورِ قَوْمٍ، وَ سَتَکُونُ بَعْدِی فِتْنَهٌ صَمّاءُ صَیْلَمُ یَسْقُطُ فِیها کُلُّ وَلِیجَهٍ وَ بِطانَهٍ وَ ذلِکَ عِنْدَ فِقْدانِ الشِّیعَهِ الْخامِسَ مِنْ وُلْدِ السّابِعِ مِنْ وُلْدِکَ، تَحْزُنُ لِفَقْدِهِ أَهْلُ الأَرْضِ وَ السَّماءِ، فَکَمْ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَهٍ مُتَأَسِّفٍ مُتَلَهِّفٍ حَیْرانٍ عِنْدَ فَقْدِهِ.

ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِیّاً، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهَ وَ قالَ صلی الله علیه وآله وسلم:

بِأَبِی وَ أُمِّی سَمِّیی وَ شَبِیهِی وَ شَبِیهِ مُوسَی بْنِ عِمْرانَ، عَلَیْهِ جُیُوبُ النُّورِ (أَوْ قالَ جَلابِیبُ النُّورِ)، تَتَوَقَّدُ مِنْ شُعاعِ الْقُدْسِ کَأَنِّی بِهِمْ آیَسُ ما کانُوا، نُودُوا بِنِداءٍ یُسْمَعُ مِنَ الْبُعْدِ کَما یُسْمَعُ مِنَ الْقُرْبِ، یَکُونُ رَحْمَهً عَلَی الْمُؤْمِنِینَ وَ عَذاباً عَلَی الْمُنافِقِینَ.

قُلْتُ: وَ ما ذلِکَ النِّداءُ؟

قالَ صلی الله علیه وآله وسلم: ثَلاثَهُ أَصْواتٍ، فِی رَجَبِ الأَوَّلِ أَلا لَعْنَهُ اللَّهِ عَلَی الظَّالِمِینَ، الثّانِی أَزِفَتِ الآزِفَهُ، الثّالِثُ یَرَوْنَ یَدَناً بارِزاً مَعَ قَرْنِ الشَّمْسِ، یُنادِی أَلا إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ فُلانَ بْنَ فُلانٍ حَتّی یَنْسِبَهُ إِلی عَلِیٍ علیه السلام، فِیهِ هَلاکُ الظّالِمِینَ، فَعِنْدَ ذلِکَ یَأْتِی الْفَرَجُ وَ یَشْفِی اللَّهُ صُدُورَهُمْ وَ یُذْهِبْ غَیْظَ قُلُوبِهِمْ.

قُلْتُ: يا رَسُولَ اللَّهِ! فَكَمْ يَكَونُ بَعْدِی مِنَ

الأئِمَّهِ؟

قالَ صلی الله علیه وآله وسلم: بَعْدَ الْحُسَیْنِ تِسْعَهٌ وَ التّاسِعُ قائِمُهُمْ.(۳۶)

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

ای علی تو از منی و من از توام، تو برادر و وزیر منی. وقتی من وفات کردم دشمنی تو در سینه های قوم ظاهر می گردد و به زودی بعد از من فتنه شدید ظاهر می شود، کسانی که از نزدیکان و اقوام ویاران او نباشند در آن واقع می شوند، این در وقتی است که امام پنجم از اولاد امام هفتم از نسل تو مفقود و غایب شود.

اهل زمین و آسمان از فقدان او محزون می شوند، مرد و زن مؤمن تأسّف خورده، حیران و سرگردان می مانند.

بعد از آن سر مبارک خود را به پایین انداخته پس از مدتی سر برداشت و فرمود:

پدر و مادرم فدای کسی باد که با من همنام و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است و بر او پرده هایی از نور است. گویا من کسانی را که مهدی را از دست داده اند و تأسّف و تلهّف می کنند می بینم و از حالت ایشان یأسی به من می رسد، ایشان را ندایی رسد که از دور شنیده می شود چنان که از نزدیک شنیده می شود و آن امام، برای مؤمنین رحمت است و برای منافقان عذاب خواهد گردید.

من عرض کردم: این ندا چیست؟

فرمود: سه صوت است در ماه رجب: صدای اوّل «ألّا لعنه اللّه علی الظالمین» است صدای دوم: «أزفه الازفه» است؛ (یعنی قیامت نزدیک گردید.) سومین نشانه این است که هنگام برآمدن خورشید، بدنی آشکار می شود که از آن ندا می رسد:

آگاه باشید! به درستی که خدای تعالی مبعوث گردانید فلان بن فلان را، و نسبت وی را

به امیرالمؤمنین علیه السلام می رساند. که در ظهور او، هلاکت ظالمین است. پس در این وقت فرج مؤمنین است. خدای تعالی به سینه های ایشان شفا می بخشد و غیظ دل هایشان را می برد.»

عرض کردم: یا رسول اللّه! بعد از من چند نفر امام خواهند بود؟

فرمود: «بعد از حسین نُه نفر، که نهمین ایشان قائم شان است.»

فصل سوم: نشانه های آخرالزمان

حدیث بیست و هشتم

نشانه های آخرالزمان (۱)

ابن إدریس، عن أبیه، عن محمد بن آدم، عن أبیه، عن ابن أیاس، عن المبارک بن فضاله، عن وهب بن منبه یرفعه إلی ابن عباس قال:

قال رَسُول اللّه صلی الله علیه وآله وسلم:

لَمّا عَرَجَ بِی رَبِّی جَلَّ جَلالُهُ أَتانِی النِّدآءَ یا مُحَمَّدُ قُلْتُ لَبَّیْکَ رَبَّ الْعَظَمهِ لَبَّیْکَ، فَأَوْحَی اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَیَّ یا مُحَمَّدُ فِیمَ اخْتَصَمَ الْمَلَأُ الْأَعْلی قُلْتُ: إِلهِی لا عِلْمَ لِی فَقالَ لِی: یا مُحَمَّدُ هَلّا اتَّخَذْتَ مِنَ الْآدَمِیِّینَ وَزِیراً وَأَخاً وَوَصِیّاً مِنْ بَعْدِکَ؟ فَقُلْتُ إِلهِی وَمَنْ أَتَّخِذُ تَخَیَّرْ لِی أَنْتَ یا إِلهِی فَأَوْحَی اللَّهُ إِلَیَّ یا مُحَمَّدُ قَدْ اِخْتَرْتُ لَکَ مِنَ الْآدَمِیِّینَ عَلِیّاً فَقُلْتُ إِلهِی اِبْنُ عَمِّی فَأَوْحَی اللَّهُ إِلَیَّ یا مُحَمَّدُ إِنَّ عَلِیّاً وارِثُکَ وَوارِثُ الْعِلْمِ مِنْ بَعْدِکَ وَصاحِبُ لِوآئِکَ لِوآءِ الْحَمْدِ یَوْمَ الْقِیامَهِ وَصاحِبُ حَوْضِکَ یَسْقِی مَنْ وَرَدَ عَلَیْهِ مِنْ مُؤْمِنِی أُمَّتِکَ ثُمَّ أَوْحَی اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ یا مُحَمَّدُ إِنِّی قَدْ أَقْسَمْتُ عَلی نَفْسِی قِسْماً حَقّاً لایَشْرَبُ مِنْ ذلِکَ الْحَوْضِ مُبْغِضٌ لَکَ وَلِأَهْلِ بَیْتِکَ وَذُرِّیَّتِکَ الطَّیِّبِینَ حَقّاً حَقّاً. أَقُولُ: یا مُحَمَّدُ لَأُدْخِلَنَّ الْجَنَّهَ جَمِیعَ أُمَّتِکَ إِلّا مَنْ أَبی فَقُلْتُ إِلهِی وَأَحَدٌ یَأْبی دُخُولَ الْجَنَّهِ فَأَوْحَی اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بَلی فَقُلْتُ فَکَیْفَ یَأْبی فَأَوْحَی اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَیَّ یا مُحَمَّدُ اِخْتَرْتُکَ مِنْ خَلْقِی وَاخْتَرْتُ لَکَ وَصِیّاً مِنْ بَعْدِکَ وَجَعَلْتُهُ مِنْکَ بِمَنْزِلَهِ هارُونَ مِنْ مُوسی إِلّا أَنَّهُ لا

نَبِيَّ بَعْدَكَ وَأَلْقَيْتُ مُحَبَّةً فِي قَلْبِكَ وَجَعَلْتُهُ أَبا وُلْدِكَ فَحَقُّهُ بَعْدُكَ عَلى أَمَّتِكَ كَحَقِّكَ عَلَيْهِمْ فِي حياتِكَ فَمَنْ جَحَدَ حَقَّهُ جَحَدَ حَقَّكَ وَمَنْ أَبى أَنْ يُوالِيَهُ فَقَدْ أَبى أَنْ يُوالِيَكَ وَمَنْ أَبى أَنْ يُوالِيَكَ فَقَدْ أَبى أَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّهَ فَخَرَرْتُ لِلَّهِ ساجِداً شُكْراً لِما أَنْعَمَ إِلَيَّ فَإِذا مُنادٍ يُنادِي اِرْفَعْ يا مُحَمَّدُ رَأْسَكَ وَسَلْنِي أَعْطِكَ فَقُلْتُ يا إِلهِي اِجْمَعْ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي عَلى وِلايَهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طالِبٍ عليه السلام لِيَرِدُوا عَلَيَّ جَمِيعاً حَوْضِي يَوْمَ الْقِيامَهِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيَّ يا مُحَمَّدُ إِنِّي قَدْ قَضَيْتُ فِي عِبادِي قَبْلَ أَنْ أَخْلُقَهُمْ وَقَضاى ماضٍ فِيهِمْ لِأَهْلِكَ بِهِ مَنْ أَشاءُ وَأَهْدِي بِهِ مَنْ أَشاءُ وَقَدْ آتَيْتُهُ عِلْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَجَعَلْتُهُ وَزِيرَكَ وَخَلِيفَتَكَ مِنْ بَعْدِكَ عَلى أَهْلِكَ وَأُمَّتِكَ عَزِيمَةً مِنِّي وَلا يَدْخُلُ الْجَنَّهَ مَنْ عاداهُ وَأَبْغَضَهُ وَأَنْكَرَ وِلايَتَهُ بَعْدَكَ فَمَنْ أَبْغَضَهُ أَبْغَضَكَ وَمَنْ أَبْغَضَكَ فَقَدْ أَبْغَضَنِي وَمَنْ عاداهُ فَقَدْ عاداكَ وَمَنْ عاداكَ فَقَدْ عادانِي وَمَنْ أَحَبَّهُ فَقَدْ أَحَبَّكَ وَمَنْ أَحَبَّكَ فَقَدْ أَحَبَّنِي وَقَدْ جَعَلْتُ لَهُ هذِهِ الْفَضِيلَهَ وَأَعْطَيْتُكَ أَنْ أَخْرُجَ مِنْ صُلْبِهِ أَحَدَ عَشَرَ مَهْدِيّاً كُلُّهُمْ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنَ الْبِكْرِ الْبَتُولِ وَآخِرُ رَجُلٍ مِنْهُمْ يُصَلِّي خَلْفَهُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلاً كَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً أَنْجِي بِهِ مِنَ الْهَلَكَهِ وَأَهْدِي بِهِ مِنَ الضَّلالَهِ وَأَبْرَءُ بِهِ الْأَعْمى وَأَشْفِي بِهِ الْمَرِيضَ فَقُلْتُ إِلهِي وَسَيِّدِي مَتى يَكُونُ ذلِكَ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَكُونُ ذلِكَ إِذا رُفِعَ الْعِلْمُ وَظَهَرَ الْجَهْلُ وَكَثُرَ الْقُرّآءُ وَقَلَّ الْعَمَلُ وَكَثُرَ الْقَتْلُ وَقَلَّ الْفُقَهآءُ الْهادُونَ وَكَثُرَ فُقَهآءُ الضَّلالَهِ وَالْخَوَنَهِ وَكَثُرَ الشُّعَرآءُ وَاتَّخَذَ أُمَّتُكَ قُبُورَهُمْ مَساجِدَ وَحُلِيَتِ الْمَصاحِفُ وَزُخْرِفَتِ الْمَساجِدُ وَكَثُرَ الْجَوْرُ وَالْفَسادُ وَظَهَرَ الْمُنْكَرُ وَأَمَرَ أُمَّتُكَ بِهِ وَنَهى عَنِ الْمَعْرُوفِ وَاكْتَفَى الرِّجالُ بِالرِّجالِ وَالنِّسآءُ بِالنِّسآءِ وَصارَ الْأُمَرآءُ كَفَرَةً

وَأَوْلِياؤُهُمْ فَجَرَةً وَأَعْوانُهُمْ ظَلَمَةً وَذَوُو الرَّأْيِ مِنْهُمْ فَسَقَةً وَعِنْدَ ذلِکَ ثَلاثَهُ خُسُوفٍ: خَسَفٌ بِالْمَشْرِقِ وَخَسَفٌ بِالْمَغْرِبِ وَخَسَفٌ بِجَزِيرَهِ الْعَرَبِ، وَخَرابُ الْبَصْرَهِ عَلى يَدِ رَجُلٍ مِنْ ذُرِّيَّتِکَ يَتْبَعُهُ الزُّنُوجُ، وَخُرُوجُ رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَظُهُورُ الدَّجّالِ يَخْرُجُ مِنَ الْمَشْرِقِ مِنْ سِجِسْتانَ، وَظُهُورُ السُّفْيانِيِّ. فَقُلْتُ: إِلهِی ما يَكُونُ بَعْدِی مِنَ الْفِتَنِ، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ وَأَخْبَرَنِی بِبَلاءِ بَنِی أُمَيَّهَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ، وَمِنْ فِتْنَهِ وُلْدِ عَمِّی وَما هُوَ كائِنٌ إِلى يَوْمِ الْقِيامَهِ، فَأَوْصَيْتُ بِذلِکَ ابْنُ عَمِّی حِينَ هُبِطَتْ إِلَى الْأَرْضِ وَأُدِّيَتِ الرِّسالَهُ، وَلِلَّهِ الْحَمْدُ عَلى ذلِکَ كَما حَمِدَهُ النَّبِيُّونَ وَكَما حَمِدَهُ كُلُّ شَيْءٍ قَبْلِی وَما هُوَ خالِقُهُ إِلى يَوْمِ الْقِيامَهِ.(۳۷)

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرموده است:

آن گاه که پروردگارم مرا به معراج برد، ندا فرمود: ای محمّد! گفتم: بله، بله، ای پروردگار عظیم الشأن، لبّیک!

پس وحی فرمود: ای محمّد! اهل آسمان ها در مورد کدام امر با یکدیگر مخاصمه کردند؟

عرض کردم: خدایا مرا به آن علمی نیست.

فرمود: آیا کسی از آدمیان را برای خودت به عنوان وزیر و برادر و وصی بعد از خودت انتخاب نکرده ای؟

گفتم: خدایا! چه کسی را انتخاب کنم؟ تو خود کسی را انتخاب بفرما.

پس وحی رسید: ای محمّد! من از بین تمام انسان ها، علی را برایت برگزیدم.

عرض کردم: خدایا! پسر عمویم؟

خداوند وحی فرمود: ای محمّد! علی وارث تو و وارث علم تو بعد از خودت می باشد.

او در روز قیامت صاحب پرچم تو می باشد که آن پرچم هدایت است. او صاحب حوض توست و هر که از مؤمنان امّت تو بر آن وارد شود او را سیراب می کند.

سپس وحی دیگری رسید: ای محمّد! به ذات خودم قسم یاد می کنم که هیچ یک از دشمنان تو

و دشمنان اهل بیت تو و فرزندان تو از آن حوض نخواهند نوشید.

به حقیقت می گویم ای محمّد! که تمام امّت تو را داخل بهشت خواهم کرد، مگر کسی که خود امتناع کند.

عرض کردم: خدایا! آیا کسی هست که از ورود به بهشت امتناع کند؟

خداوند متعال فرمود: آری.

گفتم: چطور؟

فرمود: ای محمّد! از بین تمام بندگان، فقط تو را اختیار کردم، و برای جانشینی بعد از تو نیز کسی را وصی انتخاب کردم، مَثل او برای تو، مثل هارون است برای موسی، مگر این که بعد از تو پیامبری نخواهد بود.

محبّت او را بر قلب تو انداختم و او را پدر فرزندانت قرار دادم.

حقّ او بر امّت بعد از تو همانند حقّ خودت بر آنان است در زمان حیاتت، پس هرکه حقّ او را انکار کند، حقّ تو را انکار کرده است. و هر که از ولایت او امتناع نماید، از ولایت تو امتناع نموه است. و هرکه از ولایت تو سرباز زند، از ورود به بهشت ابا کرده است.

پس از این، به خاطر نعمت های خداوند به سجده افتادم و شکر خدا نمودم.

در این هنگام بود که منادی ندا داد: ای محمّد! سربردار، و بخواه از من تا عطایت کنم.

عرض کردم: خدایا! امّت مرا بر محور ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام جمع کن، تا همه آنان در روز قیامت بر حوض من وارد شوند.

خداوند وحی فرمود: ای محمّد! قضای من در مورد بندگانم، قبل از آن که آنان را خلق کنم جاری شده و حتمی گشته است، هرکه را بخواهم هلاک می کنم و هرکه را بخواهم، هدایت می نمایم.

به درستی که همان علمی که به تو دادم، برای

بعـد از تو به علی هم دادم و او را وزیر و خلیفه تو قرار دادم؛ هم برای اهل تو و هم برای امّت بعد از تو، و این دسـتور قطعی از جانب من است.

هرکه با علی دشمنی ورزد و منکر ولایتش باشد داخل بهشت نخواهد شد.

آن که با علی بغض و کینه داشته باشد، با تو کینه ورزی کرده و آن که با تو چنین کند، با من کینه ورزی نموده است.

آن که با علی دشمنی کند، با تو دشمنی کرده است و آن که با تو دشمنی کند، با من دشمنی کرده است.

هر که علی را دوست بدارد، تو را دوست داشته و آن که تو را دوست بدارد، حتماً دوست من است.

به تحقیق این فضـیلتی است که برای او قرار دادم، وعطایی است که به تو دادم به این که یازده نفر مهدی از نسل او که همگی از ذریه تو واز بکر بتول هستند بیرون بیاورم.

آخرین آنان کسـی است که عیسی بن مریم پشت سرش به نماز می ایستد، زمین را پر از عدل و داد می کند همان گونه که از ظلم و ستم پر شده باشد.

دیگران را به وسـیله او از هلاکت نجات می دهم و به وسـیله او هدایت می کنم، و به وسـیله او کور را بینا و مریض را شفا می دهم.

گفتم: خدای من و آقای من! چه موقع چنین خواهد شد؟

خداونـد متعال وحی فرمود: آن گاه که علم برداشـته شود و جهل ظاهر گردد، قاریان بسـیار امّا عمل کم شود، آن گاه که قتل زیاد گردد و آن گاه که فقهای هدایت کننده کم شوند امّا فقهای گمراه و خیانت کار و یاوه گویان زیاد شوند.

آن گاه که امّت تو، قبور خود

را مسجد قرار دهند، مصحف ها را زینت و مساجد را آذین بندی کنند و با طلا یا غیر آن منقّش نمایند.

و آن گاه که ظلم و فساد زیاد شود و منکرات علنی گردد و مردم را به آن امر، اما از معروف نهی نمایند.

مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا کنند. آن گاه که امیران و پادشاهان از کافران باشند و دوستان ایشان فاسق و یاوران آنان از ظالمان و صاحبان رأی نیز از فاسقان باشند.

در این هنگام سه خسوف واقع خواهد شد؛ یکی در مشرق و یکی در مغرب و دیگری در جزیره العرب.

شهر بصره به دست فردی از ذریه تو خراب خواهد شد که پیروان او رومی هستند.

سپس مردی از فرزندان حسین بن علی علیهما السلام قیام می نماید، دجال از شرق و از ناحیه سیستان و سفیانی نیز خروج می کنند.

گفتم: ای خدای من! بعد از من فتنه ها چگونه خواهد بود؟

خداوند به من وحی فرمود و مرا خبر داد از کارهای بنی امیه که خدا آن ها را لعنت کند و نیز از فتنه فرزندان عمویم. و نیز خبر داد از آنچه که تا روز قیامت واقع خواهد شد.

همه این اخبار و حوادث را آن موقعی که از معراج به زمین برگشتم، به پسر عمویم سفارش کردم و رسالت خودم را انجام دادم.

حمد مخصوص خداوند است و من نیز خدا را حمد می کنم همان طور که تمام انبیا او را حمد می کنند، و همان گونه که تمام اشیای عالم و آنچه که خدا خالق آن است تا روز قیامت همه، حمد کننده خدایند.

حدیث بیست و نهم

نشانه های آخر الزمان (۲)

علی بن إبراهیم، عن هارون بن مسلم، عن مسعده بن صدقه، عن أبی

عبد اللَّه علیه السلام قال:

قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه وآله وسلم:

کَیْفَ بِکُمْ إِذَا فَسَدَتْ نِسَاؤُکُمْ وَفَسَقَ شَبَابُکُمْ وَ لَمْ تَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَلَمْ تَنْهَوْا عَنِ الْمُنْکَرِ فَقِیلَ لَهُ وَیَکُونُ ذَلِکَ یَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ نَعَمْ وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِکَ کَیْفَ بِکُمْ إِذَا أَمَرْتُمْ بِالْمُنْکَرِ وَ نَهَیْتُمْ عَنِ الْمَعْرُوفِ فَقِیلَ لَهُ یَا رَسُولَ اللَّهِ وَ یَکُونُ ذَلِکَ قَالَ نَعَمْ وَشَرٌّ مِنْ ذَلِکَ کَیْفَ بِکُمْ إِذَا رَأَیْتُمُ الْمَعْرُوفَ مُنْکَراً وَالْمُنْکَرَ مَعْرُوفاً(۳۸)

پیامبر خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

چگونه خواهید بود آن گاه که زنان شما فاسد شوند، جوانانتان فاسق گردند و شما هم امر به معروف و نهی از منکر نکنید.

پس به ایشان عرض شد: ای رسول خدا! آیا چنین خواهد شد؟

پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: آری، و بدتر از این هم خواهد شد، آن گاه که به بدی امر کنید و از معروف بازدارید.

گفته شد: ای رسول خدا! آیا این گونه خواهد شد؟

ایشان فرمودند: آری، و بدتر از این هم می شود، آن گاه که کار خوب را بد بدانید و کار بد را خوب بشمرید.

حدیث سی ام

نشانه های آخر الزمان (۳)

حدثنی أبی، عن سلیمان بن مسلم الخشاب، عن عبد اللَّه بن جریح المکی، عن عطاء بن أبی ریاح، عن عبد اللَّه بن عباس، قال: حججنا مع رسول اللَّه صلی الله علیه وآله وسلم حجه الوداع، فأخذ بحلقه باب الکعبه ثُمَّ أقبل علینا بوجهه، فقال صلی الله علیه وآله وسلم:

ألا أُخْبِرُکُمْ بِأَشْراطِ السّاعَهِ؟

وَکانَ أَدْنَی النّاسِ مِنْهُ یَوْمَئِذٍ سَلْمانُ رحمه الله، فَقالَ: بَلی یا رَسُولَ اللَّهِ! فَقالَ صلی الله علیه وآله وسلم:

إنَّ مِنْ أَشْراطِ الْقِیامَهِ إضاعَهُ الصَّلَواتِ وَاتِّباعُ الشَّهَواتِ، وَالْمَیْلُ إِلَی الْأَهْوآءِ، وَتَعْظِیمُ أَصْحابِ الْمالِ، وَبَیْعُ الدِّینِ بِالدُّنْیا، فَعِنْدَها یَذُوبُ قَلْبُ الْمُؤْمِنِ فِی جَوْفِهِ کَما یُذابُ الْمِلْحُ

فِى الْماَءِ مِمّا يَرى مِنَ الْمُنْكَرِ فَلا يَسْتَطِيعُ أنْ يُغَيِّرَهُ.

قالَ سَلْمانُ: وَإِنَّ هذا لَكآئِنٌ يا رَسُولَ اللَّهِ؟!

قالَ صلى الله عليه وآله وسلم: إى وَالَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ يا سَلْمانُ! إنَّ عِنْدَها يَلِيهِمْ أُمَرآءٌ جَوَرَةٌ وَوُزَرآءٌ فَسَقَةٌ وَعُرَفآءٌ ظَلَمَةٌ وَأُمَنآءٌ خَوَنَةٌ.

فَقالَ سَلْمانُ: وَإِنَّ هذا لَكآئِنٌ يا رَسُولَ اللَّهِ؟!

قالَ صلى الله عليه وآله وسلم: إى وَالَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ يا سَلْمانُ! إنَّ عِنْدَها يَكُونُ الْمُنْكَرُ مَعْرُوفاً وَالْمَعْرُوفُ مُنْكَراً وَيُؤْتَمَنُ الْخآئِنُ وَيَخُونُ الْأَمِينُ وَيُصَدَّقُ الْكاذِبُ وَيُكَذَّبُ الصّادِقُ.

قالَ سَلْمانُ: وَإِنَّ هذا لَكآئِنٌ يا رَسُولَ اللَّهِ؟!

قالَ صلى الله عليه وآله وسلم: إى وَالَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ يا سَلْمانُ! فَعِنْدَها تَكُونُ إمارَةُ النِّسآءِ وَمُشاوَرَةُ الْإِماءِ وَقُعُودُ الصِّبْيانِ عَلَى الْمَنابِرِ، وَيَكُونُ الْكَذِبُ طَرَفاً وَالزَّكاةُ مُغْرَماً وَالْفَىْ ءُ مُغْنَماً، وَيَجْفُو الرَّجُلُ والِدَيْهِ وَيَبَرُّ صَدِيقَهُ، وَيَطْلَعُ الْكَوْكَبُ الْمُذْنِبُ.

قال سَلْمانُ: وَإِنَّ هذا لَكآئِنٌ يا رَسُولَ اللَّهِ؟!

قالَ صلى الله عليه وآله وسلم: إى وَالَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ يا سَلْمانُ، وَعِنْدَها تَشارَكَ الْمَرْأَةُ زَوْجَها فِى التِّجارَهِ، وَيَكُونُ الْمَطَرُ قَيْظاً وَيَغِيظُ الْكِرامُ غَيْظاً، وَيَحْتَقِرُ الرَّجُلُ الْمُعْسِرُ، فَعِنْدَها تَقارُبُ الْأَسْواقِ، إذْ قالَ هذا: لَمْ أَبِعْ شَيْئاً وَقالَ هذا: لَمْ أَرْبَحْ شَيْئاً فَلا تَرى إلّا ذامّاً للَّهِ.

قال سَلْمانُ: وَإِنَّ هذا لَكآئِنٌ يا رَسُولَ اللَّهِ؟!

قال صلى الله عليه وآله وسلم: إى وَالَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ يا سَلْمانُ، فَعِنْدَها يَلِيهِمْ أَقْوامٌ إنْ تَكَلَّمُوا قَتَلُوهُمْ وَإِنْ سَكَتُوا اِسْتَباحُوا حَقَّهُمْ لَيَسْتَأْثِرُونَ أَنْفُسَهُمْ بِفَيْئِهِمْ وَلَيَطَؤُونَ حُرْمَتَهُمْ وَلَيَسْفَكُنَّ دِمآءَهُمْ وَلَيَمْلَأُنَّ قُلُوبَهُمْ دَغَلًا رُعْباً، فَلا تَراهُمْ إلّا وَجِلِينَ خآئِفِينَ مَرْعُوبِينَ مَرْهُوبِينَ.

قال سَلْمانُ: وَإِنَّ هذا لَكآئِنٌ يا رَسُولَ اللَّهِ؟!

قالَ صلى الله عليه وآله وسلم: إى وَالَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ، يا سَلْمانُ، إنَّ عِنْدَها يُؤْتى بِشَىْ ءٍ مِنَ الْمَشْرِقِ وَشَىْ ءٍ مِنَ الْمَغْرِبِ يَلُونَ أُمَّتِى، فَالْوَيْلُ لِضُعَفآءِ أُمَّتِى مِنْهُمْ وَالْوَيْلُ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ، لا يَرْحَمُونَ صَغِيراً وَلا يُوَقِّرُونَ كَبِيراً وَلا يَتَجاوَزُونَ مِنْ مُسِى ءٍ، جُثَّتُهُمْ

جُثَّهُ الْآدَمِيِّينَ وَقُلُوبُهُمْ قُلُوبُ الشَّياطِينِ.

قال سَلْمانُ: وَإِنَّ هذا لَكآئِنٌ يا رَسُولَ اللَّهِ؟!

قالَ صلى الله عليه وآله وسلم: إِى وَالَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ يا سَلْمانُ! وَعِنْدَها يَكْتَفِى الرِّجالُ بِالرِّجالِ وَالنِّسآءُ بِالنِّسآءِ، وَيُغارُ عَلَى الْغِلْمانِ كَما يُغارُ عَلَى الْجارِيَهِ فِى بَيْتِ أَهْلِها وَتَشَبَّهَ الرِّجالُ بِالنِّسآءِ وَالنِّسآءُ بِالرِّجالِ وَلَتَرْكَبَنَّ ذَواتُ الْفُرُوجِ السُّرُوجَ فَعَلَيْهِنَّ مِنْ أُمَّتِى لَعْنَهُ اللَّهِ.

قال سَلْمانُ: وَإِنَّ هذا لَكآئِنٌ يا رَسُولَ اللَّهِ؟!

فَقالَ صلى الله عليه وآله وسلم: إِى وَالَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ يا سَلْمانُ إِنَّ عِنْدَها تُزَخْرَفُ الْمَساجِدُ كَما تُزَخْرَفُ الْبِيَعُ وَالْكَنآئِسُ وَتُحَلَّى الْمَصاحِفُ، وَتَطُولُ الْمَناراتُ وَتَكْثُرُ الصُّفُوفُ بِقُلُوبٍ مُتَباغِضَهٍ وَأَلْسُنٍ مُخْتَلِفَهٍ.

قالَ سَلْمانُ: وَإِنَّ هذا لَكآئِنٌ يا رَسُولَ اللَّهِ؟!

قالَ صلى الله عليه وآله وسلم: إِى وَالَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ وَعِنْدَها تُحَلّى ذُكُورُ أُمَّتِى بِالذَّهَبِ وَيَلْبَسُونَ الْحَرِيرَ وَالدِّيباجَ وَيَتَّخِذُونَ جُلُودَ النُّمُورِ صَفافاً.

قالَ سَلْمانُ: وَإِنَّ هذا لَكآئِنٌ يا رَسُولَ اللَّهِ؟!

قالَ صلى الله عليه وآله وسلم: إِى وَالَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ يا سَلْمانُ! وَعِنْدَها يَظْهَرُ الرِّبا وَيَتَعامَلُونَ بِالْعَيْنَهِ وَالرِّشى وَيُوضَعُ الدِّينُ وَتُرْفَعُ الدُّنْيا.

قالَ سَلْمانُ: وَإِنَّ هذا لَكآئِنٌ يا رَسُولَ اللَّهِ؟!

قالَ صلى الله عليه وآله وسلم: إِى وَالَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ يا سَلْمانُ وَعِنْدَها يَكْثُرُ الطَّلاقُ، فَلا يُقامُ لِلَّهِ حَدٌّ وَلَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئاً.

قالَ سَلْمانُ: وَإِنَّ هذا لَكآئِنٌ يا رَسُولَ اللَّهِ؟!

قالَ صلى الله عليه وآله وسلم: إِى وَالَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ يا سَلْمانُ وَعِنْدَها تَظْهَرُ الْقَيْناتُ وَالْمَعازِفُ وَيَلِيهِمْ أَشْرارُ أُمَّتِى.

قالَ سَلْمانُ: وَإِنَّ هذا لَكآئِنٌ يا رَسُولَ اللَّهِ؟!

قالَ صلى الله عليه وآله وسلم: إِى وَالَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ يا سَلْمانُ وَعِنْدَها تَحِجُّ أَغْنِيآءُ أُمَّتِى لِلنُّزْهَهِ وَتَحِجُّ أَوْساطُها لِلتِّجارَهِ وَتَحِجُّ فُقَرآؤُهُمْ لِلرِّيآءِ وَالسُّمْعَهِ فَعِنْدَها يَكُونُ أَقْوامٌ يَتَعَلَّمُونَ الْقُرْآنَ لِغَيْرِ اللَّهِ وَيَتَّخِذُونَهُ مَزامِيرَ، وَيَكُونُ أَقْوامٌ يَتَفَقَّهُونَ لِغَيْرِ اللَّهِ وَتَكْثُرُ أَوْلادُ الزِّنا، وَيَتَغَنَّوْنَ بِالْقُرْآنِ وَيَتَهافَتُونَ بِالدُّنْيا.

قالَ سَلْمانُ: وَإِنَّ هذا لَكآئِنٌ يا رَسُولَ اللَّهِ؟!

قالَ صلى الله عليه وآله وسلم: إِى

وَالَّذِی نَفْسِی بِیَدِهِ یا سَلْمانُ! ذاکَ إِذَا انْتَهَکَتِ الْمَحارِمُ وَاکْتَسَبَتِ الْمَآثِمُ، وَتَسَلَّطَ الْأَشْرارُ عَلَی الْأَخْیارِ، وَیَفْشُو الْکَذِبُ وَتَظْهَرُ اللَّجاجَهُ وَتَغْشُو الْفاقَهُ، وَیَتَباهُونَ فِی اللِّباسِ وَیَمْطَرُونَ فِی غَیْرِ أَوانِ الْمَطَرِ، وَیَسْتَحْسِنُونَ الْکُوبَهَ وَالْمَعازِفَ وَیَنْکَرُونَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْیَ عَنِ الْمُنْکَرِ حَتّی یَکُونَ الْمُؤْمِنُ فِی ذلِکَ الزَّمانِ أَذَلُّ مِنَ الْأَمَهِ وَیَظْهَرُ قُرآؤُهُمْ وَعِبادُهُمْ فِیما بَیْنَهُمُ التَّلاوُمَ، فَأُولئِکَ یُدْعَوْنَ فِی مَلَکُوتِ السَّماواتِ الْأَرْجاسُ وَالْأَنْجاسُ.

قالَ سَلْمانُ: وَإِنَّ هذا لَکآئِنٌ یا رَسُولَ اللَّهِ؟!

فَقالَ صلی الله علیه وآله وسلم: إِی وَالَّذِی نَفْسِی بِیَدِهِ یا سَلْمانُ، فَعِنْدَها لاَ یَحُضُّ الْغَنِیُّ عَلَی الْفَقِیرِ حَتّی أَنَّ السّآئِلَ یَسْأَلُ فِیما بَیْنَ الْجَمْعَتَیْنِ لا یَصِیبُ أَحَداً یَضَعُ فِی کَفِّهِ شَیْئاً.

قال سَلْمانُ: وَإِنَّ هذا لَکآئِنٌ یا رَسُولَ اللَّهِ؟!

قال صلی الله علیه وآله وسلم: إِی وَالَّذِی نَفْسِی بِیَدِهِ یا سَلْمانُ عِنْدَها یَتَکَلَّمُ الرُّوَیْبَضَهُ.

فَقالَ: وَمَا الرُّوَیْبَضَهُ یا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَداکَ أَبِی وَأُمِّی!

قالَ صلی الله علیه وآله وسلم: یَتَکَلَّمُ فِی أَمْرِ الْعامَّهِ مَنْ لَمْ یَکُنْ یَتَکَلَّمُ فَلَمْ یَلْبَثُوا إِلّا قَلِیلاً حَتّی تَخُورَ الْأَرْضُ خَوْرَهً فَلا یَظُنُّ کُلُّ قَوْمٍ إِلّا أَنَّها خارَتْ فِی ناحِیَتِهِمْ فَیَمْکُثُونَ ما شآءَ اللَّهُ، ثُمَّ یَنْکُتُونَ فِی مَکْثِهِمْ فَتَلْقی لَهُمُ الْأَرْضُ أَفْلاذَ کَبِدِها ذَهَباً وَفِضَّهً.

ثُمَّ أَوْمَأَ بِیَدِهِ إِلَی الْأَساطِینِ فَقالَ مِثْلُ هذا فَیَوْمَئِذٍ لا یَنْفَعُ ذَهَبٌ وَلا فِضَّهٌ. فَهذا مَعْنی قَوْلِهِ: فَقَدْ جآءَ أَشْراطُها.(۳۹)

ابن عباس می گوید: حجه الوداع را با پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم به جا آوردیم، آن حضرت حلقه در خانه کعبه را گرفت، سپس به سوی ما توجّه نمود و فرمود:

آیا شما را از اخبار و نشانه های آخر الزمان آگاه نکنم؟

سلمان رحمه الله که از همه به ایشان نزدیک تر بود، عرض کرد: بفرمایید، ای رسول خدا!

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

برخی از آن اخبار چنین است: ضایع

کردن نمازها، پیروی از شهوات، تمایل به هوی و هوس، تعظیم سرمایه داران و فروش دین به دنیا.

در این هنگـام است که قلب انسـان مؤمن آب می شود همـان گونه که نمک در آب حل می گردد، چون منکرات را می بیند ولی نمی تواند آن را تغییر دهد.

سلمان عرض کرد: آیا این ها واقع خواهد شد؟!

پیامبر اعظم صـلی الله علیه وآله وسـلم فرمود: آری قسم به خدایی که جانم به دست اوست ای سلمان! در این هنگام، پادشاهان ستمکار بر آنان حاکم شوند و وزیران آنان فاسق گردند، عارفان ظلم کنند و امینان خیانت ورزند.

سلمان گفت: آیا این گونه خواهد شد؟!

پیـامبر اکرم صـلی الله علیه وآله وسـلم فرمود: آری، قسم به آن که جـانم به دست اوست، ای سـلمان! در این هنگـام، کارهـای زشت، رواج پیـدا می کنـد و کارهای خیر متروک می شود (منکرات معروف می شود و معروف منکر). شـخص خائن را امین می پندارند و امین نیز خیانت کند، دروغگو را تصدیق می کنند و راستگو را تکذیب نمایند.

سلمان گفت: آیا این ها شدنی است؟!

رسول خداصـلی الله علیه وآله وسـلم فرمود: آری، سوگند به آن که جانم به دست اوست، ای سلمان! پس در آن هنگام، زنان امیر می گردنـد و کنیزان مشاور می شونـد و کوچکان بر منابر می نشـینند، دروغ را شوخی بدانند، زکات را غرامت و زورکی بدانند و غارت اموال بیت المال را غنیمت شـمرند. افراد به پدر و مادر خود جفا می کنند امّا به دوست خود اهمیت بیشتری می دهند و ستاره دنباله دار طلوع نماید.

سلمان عرض کرد: یعنی چنین خواهد شد!؟

حضـرت صـلی الله علیه وآله وسـلم فرمود: قسم به خدا که آری، ای سلمان! در آن موقع زن در تجارت با همسرش شریک می شود. و

باران فراوان می بارد و مردمان محترم به خشم می آینـد مسـتمندان را پست می شـمارند. بازارها به هم نزدیک می شود، یکی گوید فروش نکردم، دیگری گوید سودی نبردم. پس کسی را نمی بینی مگر این که خدا را مذمت می کند.

سلمان عرض کرد: این ها همه واقع شدنی است؟

پیامبرصـلی الله علیه وآله وسـلم فرمود: آری سوگنـد به آن کسـی که جـانم در دست اوست، در همـان روزهاست که قومی بر مردم حکمرانی کنند که اگر مردم سـخن بگویند آنان را می کشند، و اگر حرف نزنند مال آن ها را مباح می شمارند و احترام آن ها را زیر پا می گذارنـد، خون های آن ها را می ریزنـد، دل هایشان را پر از بیم می نماینـد، نمی بینی آن ها را مگر ترسان لرزان و هراسان.

سلمان عرض کرد: آیا این ها واقع می شود؟

رسول گرامی اسـلام صـلی الله علیه وآله وسلم فرمود: آری قسم به آن که جانم به دست اوست، در آن وقت چیزی از مشرق و چیزی از مغرب گرفته می شود و با این وضعیت بر امّت من حکومت می کنند.

وای بر ضـعیفان امّـت مـن از آن هـا، و وای بر آن هـا از خـدا. رحـم بر کودکـان نخواهنـد کرد و بزرگـان را احـترام نگذارنـد، گناهکاران را عفو نمی کنند، هیکل آن ها هیکل آدمیان و دل آن ها دل دیوان است.

سلمان عرض کرد: ای رسول خدا! این ها شدنی است؟

پیامبرصـلی الله علیه وآله وسـلم فرمـود: آری سوگنـد به آن که جـانم به دست اوست. در آن روزهـاست که مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا کنند و بر غلامان میل کنند، همچنان که بر دوشـیزگان میل نمایند. مردان شبیه به زنان و زنان شبیه به مردان شوند و زنان سوار مرکب می شوند. لعنت خدا بر آن ها باد.

سلمان عرض کرد:

ای رسول خدا! این ها شدنی است.

رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمود: آری سوگند به خدا، در آن زمان مساجد را مثل معابد یهود و کلیساها زینت کنند و قرآن را تزیین نمایند، مناره ها را بلند سازند، صف های جماعت زیاد امّا دل ها با یکدیگر کینه ور و زبان ها دور باشد.

سلمان عرض کرد: آیا این ها شدنی است.

پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: آری، قسم به آن که جانم به دست اوست.

در آن زمان مردان امّت من خود را به طلا بیارایند، لباس ابریشم و دیبا بر تن کنند و پوست پلنگان را خرید و فروش نمایند.

سلمان عرض کرد: ای رسول خدا! این ها شدنی است؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: آری، سوگند به خدایی که جانم در دست اوست.

ای سلمان! در آن زمان ربا ظاهر می شود و به سفته بازی و رشوه معامله کنند، دین را پست شمارند و دنیا را عالی دانند.

سلمان عرض کرد: ای رسول خدا! این ها شدنی است؟ رسول مکرم اسلام صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: آری، سوگند به خدایی که جانم در دست اوست.

در آن زمان طلاق فراوان می شود. و حدی اقامه نمی گردد و به خداوند زیانی از آن ها نمی رسد.

سلمان عرض کرد: ای رسول خدا! این ها شدنی است؟

پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: آری، سوگند به خدایی که جانم در دست اوست.

ای سلمان! در آن زمان تار و ساز آشکار گردد. و اشرار امّت من فرمانروایی کنند.

سلمان عرض کرد: ای رسول خدا! این ها شدنی است؟ پیامبر خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمود: آری، سوگند به خدایی که جانم در دست اوست.

در آن روز توانگران امّت من برای تفرج حجّ می کنند. اواسط آن ها برای

تجارت و فقرای آن ها برای ریا حجّ می کنند.

قرآن را برای غیر خدا یاد می گیرند و آن را در آلت طرب می خوانند. برای غیر خدا تفقّه می کنند. اولاد زنا زیاد می شود، قرآن را به غنا می خوانند و به دنیا با هم مباهات می کنند.

سلمان عرض کرد: ای رسول خدا! این ها شدنی است؟ فرمود: آری، سوگند به خدایی که جانم در دست اوست.

ای سلمان! این ها در زمانی است که حرمت کسی را محفوظ ندارند، سرمایه کسب، دروغ باشد، بدها بر نیکان مسلّط شوند، دروغ فراوان شود، لجاجت ظاهر گردد، تنگدستی زیاد شود و به لباس بر یکدیگر مباهات کنند. باران در غیر موسوم خود ببارد. تار و طنبور را نیک شمارند، امر به معروف و نهی از منکر را منکر دانند. مؤمن در آن روز و در آن زمان از کنیز خوارتر گردد. قرآن خوانان و عابدان را ملامت نمایند. از این گونه مردمان در ملکوت آسمان ها به نام پلیدان و ناپاکان یاد می شوند.

سلمان عرض کرد: ای رسول خدا! این ها شدنی است؟ فرمود: آری، سوگند به خدایی که جانم در دست اوست.

هیچ توانگر بر بی نوایی فقیران نمی ترسد، سائل در بین جمعیت، کسی را پیدا نمی کند تا پولی را به کف او بگذارد.

سلمان عرض کرد: ای رسول خدا! این ها شدنی است؟ فرمود: آری، سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، ای سلمان! و در آن زمان رویبضه تکلم می کند.

سلمان عرض کرد: پدر و مادرم فدای شما باد، ای رسول خدا! رویبضه چیست؟

فرمود: کسی که در امور مردم سخنرانی کند ولی شایسته آن نباشد.

یک چنین مردمی جز اندکی درنگ نخواهند کرد که زمین مانند گاو نر عربده می کشد، این عربده زمین

چنان عمومی خواهـد شد که هر قومی گمان برند این صدا در ناحیه آن هاست. پس تا زمانی که خدا بخواهد مکث می کنند، سپس در مـدت مکث رو به نکث(عهد شـکنی) می روند. پس زمین برای آن ها پاره های دل خود را بیرون می ریزد از طلا و نقره و سـپس به سـتون هـا اشـاره کرد و فرمود: مثـل چنین روزی است که طلاـ و نقره از ارزش می افتـد. این است معنـای قول خداوند متعال: «فقد جاء اشراطها».

فصل چهارم: هنگامه ظهور

حدیث سی و یکم

زمان قیام به اذن خداوند

حدثنی محمد بن وهبان بن محمد الهمای البصـری، قال: حدثنا الحسـین بن علی البزوفری، قال: حدثنا علی بن العباس، عن عباد بن یعقوب، قال: أخبرنی مسمر بن نویره، عن أبی بکر بن عیاش عن أبی سلیمان الضبی، عن أبی أمامه قال:

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله وسلم:

لاـتَقُومُ السّـاعَهُ حَتّی یَقُومَ قـآئِمُ الْحَقِّ مِنّا وَذلِکَ حِینَ یَأْذَنُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ، فَمَنْ تَبَعَهُ نَجی وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَلَکَ. فَاللَّهَ اللَّهَ عِبادَ اللَّهِ إیتُوهُ وَلَوْ عَلَی الثَّلْجِ فَإِنَّهُ خَلِیفَهُ اللَّهِ.

قُلْنا: یا رَسُولَ اللَّهِ! مَتی یَقُومُ قآئِمُکُمْ؟

قالَ: إِذا صارَتِ الدُّنْیا هَرَجاً وَمَرَجاً وَهُوَ التّاسِعُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَیْنِ.(۴۰)

امام رضا از پدران بزگوارش علیهم السلام نقل می فرماید که پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله وسلم فرموده اند:

قیامت به پا نخواهد شد تا روزی که قائم به حقّ از ما قیام کند و این زمانی خواهد بود که خداوند به وی اجازه بفرماید.

پس هرکه از او تبعیّت کند، نجات می یابد و آن که مخالفت وی نماید هلاک خواهد شد.

ای بندگان خدا! خدا را، خدا را در نظر داشته باشید و به طرف او بروید؛ هرچند مجبور باشید که با دست و پا بر روی برف و یخ

راه بروید.

همانا او خلیفه خداوند عظیم الشأن می باشد.

عرض کردیم: ای رسول خدا! قائم شما چه موقع قیام خواهد کرد؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: آن گاه که دنیا دچار هرج و مرج شود. و او نهمین از فرزندان و نسل [امام]حسین علیه السلام است.

حدیث سی و دوم

زمان ظهور، ناگهانی و به اذن خداست حدّثنا احمد بن زیاد بن جعفر بن الهمدانی، قال: حدّثنا علی بن ابراهیم بن هاشم، عن أبیه، عن عبدالسلم بن صالح الهروی، قال: سمعت دعبل بن علی الخزاعی یقول أنشدت مولای الرضا قصیدتی التی أولها:

مدارس(۴۱) آیات خلت من تلاوه

ومنزل وحی مقفر العرصات فلما انتهیت إِلی قولی:

خروج إمام لا محاله خارج یقوم علی اسم اللّه والبرکات یمیز فینا کل حق و باطل ویحری علی النعماء والنقمات بکی الرضاعلیه السلام بکاءاً شدیداً ثُمَّ رفع رأسه فَقالَ:

یا خَزاعِی! نَطَقَ رُوحُ الْقُدُسِ عَلی لِسانِکَ بِهذَیْنِ الْبَیْتَیْنِ، فَهَلْ تَدْرِی مَنْ هذَا الْإِمامُ وَمَتی یَقُومُ؟

فَقُلْتُ: لا یا مَوْلایَ! بَلْ سَمِعْتُ بِخُرُوجِ إِمامٍ مِنْکُمْ یُطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنَ الْفَسادِ وَیَمْلَأُها عَدْلاً.

فَقالَ یا دِعْبَلُ! اَلْإِمامُ بَعْدِی مُحَمَّدُ ابْنِی وَبَعْدَهُ ابْنُهُ عَلِیٌّ وَبَعْدُ عَلِیٍّ اِبْنُهُ الْحَسَنُ وَبَعْدُ الْحَسَنِ اِبْنُهُ الْحُجَّهُ الْقآئِمُ الْمُنْتَظَرُ، فِی غَیْبَتِهِ الْمُطاعُ فِی ظُهُورِهِ لَوْ لَمْ یَبْقَ مِنَ الدُّنْیا إِلّا یَوْم واحِدٍ لَطَوَّلَ اللّهُ ذلِکَ الْیَوْمَ حَتّی یَمْلَأَها عَدْلاً وَقِسْطاً کَما مُلِئَتْ جَوْراً وَظُلْماً، وَأَمّا مَتی فَسُؤالٌ عَنِ الْوَقْتِ. وَقَدْ حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ أَبِیهِ عَنْ آبآئِهِ أَنَّ النَّبِیَ صلی الله علیه وآله وسلم قِیلَ لَهُ: یا رَسُولَ اللّهِ! مَتی یَخْرُجُ الْقآئِمُ مِنْ ذُرِّیَّتِکَ؟

قالَ صلی الله علیه وآله وسلم: مَثَلُهُ کَمَثَلِ السّاعَهِ لا یُجَلِّیها لِوَقْتِها إِلّا هُوَ لا تَأْتِیکُمْ إِلّا بَغْتَهً.(۴۲)

عبدالسلام بن صالح هروی گوید: از دعبل بن علی خزاعی شنیدم می گفت: برای

مولای خودم حضرت رضاعلیه السلام قصیده ام را که اولش به این مضمون بود خواندم:

۱) مدرسه های آیات الهی که از تلاوت تهی شده و منزل وحی که عرصه هایش مبدل به بیابان خالی شده است.

و چون رسیدم به این بیت از شعر خود:

۲) خروج امامی که به یقین ظهور می کند و به نام خدا و با برکت های فراوان قیام می نماید.

۳) و میان ما هر حقّی را از باطل جدا می کند و پاداش نیکو و کیفر بدی را می دهد.

حضرت رضا علی بن موسی علیه السلام سخت گریست و سپس سرش را به جانب من برداشت و فرمود:

ای خزاعی در این دو بیت روح الامین به زبانت سخن گفته است آیا می دانی این امام کیست و چه موقع قیام می کند؟

عرض کردم: نه، ای مولایم! فقط شنیده ام یک امامی از شما ظهور می کند که زمین را از فساد پاک می نماید و آن را از عدالت و داد پر می کند چنان که از ستم پر شده باشد.

امام رضاعلیه السلام فرمود:

ای دعبل! امام بعد از من محمّد است و پس از محمّد فرزندش علی است و بعد از علی پسرش، حسن و پس از حسن، پسرش حجّت قائم که در غیبتش انتظار او را کشند و در ظهورش مطاع باشد. اگر نماند از دنیا مگر یک روز، خدا همان روز را آن قدر طولانی کند تا وی ظهور نماید و آن را پر از عدالت کند، چنان که پر از ستم شده باشد. و امّا این که چه موقع ظهور خواهد کرد، این اخبار از وقت است و همانا پدرم برای من از پدرش، از پدارنش باز گفته است که از پیغمبرصلی الله علیه

وآله وسلم پرسش شد: قائم از ذریّه ات چه موقع خروج می کند؟

پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله وسلم فرموده است:

مَثل او مَثل قیامت است، که آشکار نکند وقتش را جز خداوند متعال و نیاید شما را جز ناگهانی.

حدیث سی و سوم

مهدی علیه السلام قیام برای دین خدا

حدثنا محمد بن وهبان بن محمد البصری، قال: حدثنا الحسین بن علی البزوفری، قال: حدثنی عبد العزیز بن یحیی الجلودی بالبصره، قال: حدثنی محمد بن زکریا، عن أحمد بن عیسی بن زید، قال: حدثنی عمر بن عبد الغفار، عن أبی بصیر، عن حکیم بن جبیر، عن علی بن زید بن جذعان، عن سعید بن المسیب، عن سعد بن مالک:

أَن النبی صلی الله علیه وآله وسلم قال:

یا عَلِیُّ أَنْتَ مِنِّی بِمَنْزِلَهِ هارُونَ مِنْ مُوسی إِلّا أَنَّهُ لا نَبِیَّ بَعْدِی، تَقْضِی دَیْنِی وَتُنْجِزُ عِداتِی وَتُقاتِلُ بَعْدِی عَلَی التَّأْوِیلِ کَما قاتَلْتُ عَلَی التَّنْزِیلِ.

یا عَلِیُّ حُبُّکَ إِیمانٌ وَبُغْضُکَ نِفاقٌ، وَلَقَدْ نَبَّأَنِیَ اللَّطِیفُ الْخَبِیرُ أَنَّهُ یَخْرُجُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَیْنِ تِسْعَهٌ مِنَ الْأَئِمَّهِ مَعْصُومُونَ مُطَهَّرُونَ وَمِنْهُمْ مَهْدِیُّ هذِهِ الْأُمَّهِ الَّذِی یَقُومُ بِالدِّینِ فِی آخِرِ الزَّمانِ کَما قُمْتُ فِی أَوَّلِهِ.(۴۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

ای علی! تو برای من مثل هارون برای موسی هستی، مگر این که بعد از من پیامبری نخواهد بود.

دین مرا تو ادا می کنی و وعده های مرا تو وفا می کنی، تو برای تأویل قرآن جنگ خواهی کرد، چنان که من برای تنزیل آن جنگیدم.

ای علی! دوستی تو نشانه ایمان است و دشمنی با تو نشانه نفاق و دورویی.

به درستی که خداوند لطیف خبیر به من خبر داد:

از نسل حسین، نُه نفر امام که همگی معصوم (از هر گناهی مصون) و مطهّر (از هر آلودگی پاک) هستند، به وجود

خواهند آمد.

و مهدی این امّت نیز از ایشان است، همان که در آخر الزمان برای دین قیام می کند، چنان که من در ابتدای آن قیام کردم.

فصل پنجم: زمان قیام

حدیث سی و چهارم

بشارت به فرج بعد از ناامیدی الحفار، عن عثمان بن أحمد، عن أبی قلابه، عن بشر بن عمر، عن مالک بن أنس، عن زید بن أسلم، عن إسماعیل بن أبان، عن أبی مریم، عن ثویر بن أبی فاخته، عن عبد الرحمن بن أبی لیلی، قال: قال أبی:

دفع النبی صلی الله علیه وآله وسلم الرایه یوم خیبر إلی علی بن أبی طالب، ففتح اللَّه علیه ثُمَّ ذکر نصبه علیه السلام یوم الغدیر وَبعض ما ذکر فیه من فضائله علیه السلام إلی أن قال: ثُمَّ بکی النبی صلی الله علیه وآله وسلم.

فقیل: ممّ بکاؤک یا رسول اللَّه!

قال صلی الله علیه وآله وسلم:

أَخْبَرَنی جِبْرَئِیل علیه السلام أَنَّهُمْ یَظْلِمُونَهُ وَیَمْنَعُونَهُ حَقَّهُ وَیُقاتِلُونَهُ وَیَقْتُلُونَ وُلْدَهُ وَیَظْلِمُونَهُمْ بَعْدَهُ وَأَخْبَرَنی جِبْرَئِیل علیه السلام عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّ ذلِکَ یَزُولُ إذا قامَ قائِمُهُمْ وَعَلَتْ کَلِمَتُهُمْ وَ أَجْمَعَتِ الْأُمَّهُ عَلی مَحَبَّتِهِمْ وَکانَ الشّانِئُ لَهُمْ قَلِیلاً وَالْکارِهُ لَهُمْ ذَلِیلاً وَکَثُرَ الْمادِحُ لَهُمْ وَذلِکَ حِینَ تُغَیِّرُ الْبِلادُ وَتُضَعِّفُ الْعِبادُ وَالإِیاسُ مِنَ الْفَرَجِ وَعِنْدَ ذلِکَ یَظْهَرُ الْقائِمُ فِیهِمْ.

قالَ النَّبِیُ صلی الله علیه وآله وسلم: اِسْمُهُ کَاسْمِی وَاْسمُ أَبِیهِ کَاسْمُ ابْنِی وَهُوَ مِنْ وُلْدِ ابْنَتِی، یَظْهَرُ اللَّهُ الْحَقَّ بِهِمْ وَیَحْمَد الْباطِلَ بِأَسْیافِهِمْ وَیَتْبَعُهُمُ النّاسُ بَیْنَ راغِبٍ إِلَیْهِمْ وَخائِفٍ لَهُمْ.

قالَ: وَسَکَنَ الْبُکآءُ عَنْ رَسُولِ اللَّه صلی الله علیه وآله وسلم، فَقالَ:

مَعاشِرَ الْمُؤْمِنِینَ! أَبْشِرُوا بِالْفَرَجِ، فَإِنَّ وَعْدَ اللَّهِ لا یُخْلَفُ وَقَضاؤُهُ لا یُرَدُّ وَهُوَ الْحَکِیمُ الْخَبِیرُ فَإِنَّ فَتْحَ اللَّهِ قَرِیبٌ.

اَللَّهُمَّ إِنَّهُمْ أَهْلِی فَأَذْهِبْ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِیراً، اَللَّهُمَّ اکْلأْهُمْ وَاحْفَظْهُمْ وَارْعَهُمْ وَکُنْ لَهُمْ وَانْصُرْهُمْ وَأَعِنْهُمْ وَأَعِزَّهُمْ وَلا تُذِلَّهُمْ وَاخْلُفْنِی فِیهِمْ إِنَّکَ عَلی

كُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ.(۴۴)

عبدالرحمن ابی لیلی از قول پدرش می گوید: پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله وسلم روز جنگ خیبر، پرچم را به دست علی بن ابی طالب علیه السلام داد و خداوند نیز پیروزی را نصیب ایشان ساخت.

پدرم جریان غدیر خم و نصب امیرالمؤمنین علیه السلام به امامت را و برخی از فضایل امام علی علیه السلام را ذکر کرد، تا رسید به اینجا که پیامبر خداصلی الله علیه وآله وسلم شروع به گریه کرد.

اصحاب گفتند: یا رسول اللّه! چرا گریه می کنید؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

جبرئیل به من خبر داد که مردم به علی ظلم خواهند کرد، حقّ او را می گیرند و با او جنگ می کنند، فرزندانش را می کشند و به آن ها ظلم و ستم روا می دارند.

جبرئیل از پرودگار عظیم الشأن خود برایم خبر آورد، این ظلم ها و مصیبت ها ادامه دارد، تا زمانی که قائم آنان قیام کند. آن گاه مصیبت آنان تمام می شود و کلمه و پرچم ایشان برافراشته می گردد.

امّت بر محبت و ولایت آنان اتفاق می کنند، دشمنان آنان اندک می شوند و بدخواهان آنان خوار و ذلیل می گردند و دوستان و مدح کنندگان ایشان بسیار می گردند.

و این بعد از آن زمانی است که شهرها دگرگون شود و بندگان ضعیف گردند و از فرج ناامید شوند، و در این هنگام «قائم» ظهور می کند.

پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم فرمود: اسم او همنام من است و اسم پدرش همنام فرزندم می باشد و او از فرزندان دخترم است.

خدا حقّ را به وسیله ایشان ظاهر، و باطل را با شمشیرهای آنان خاموش می گرداند. مردم تابع آنان می شوند؛ اگرچه برخی با میل و رغبت و برخی هم از روی ترس و ناچاری.

پدرم گفت:

گریه پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم ساکت شد و بعد فرمود:

ای مردم با ایمان! شما را به فرج، بشارت می دهم. بدانید که وعده خدا تخلّف ندارد و قضا و قدر الهی نیز بر نمی گردد، چون او آگاه و حکیم است و فتح و پیروزی نزدیک است.

خداوندا! ایشان اهل بیت منند، پس هرگونه گناه و آلودگی را از ایشان بزدای و آنان را کاملاً پاک و پاکیزه فرما.

خدایا! ایشان را در حفظ و حمایت و رعایت خود قرار ده.

خدایا! آنان را یار و یاور باش و پیروزشان گردان.

خدایا! آنان را خوار نکن، و خلیفه من قرارشان بده.

همانا تو بر هر کاری توانایی.

حدیث سی و پنجم

خروج مهدی علیه السلام در آخرالزمان جماعه، عن التلعکبری، عن أحمد بن علی، عن ابن أبی دارم، عن علی بن العباس، عن محمد بن هاشم القیسی، عن سهل بن تمام البصری، عن عمران القطان، عن قتاده، عن أبی نضره، عن جابر بن عبد اللَّه قال:

قال رَسُول اللَّه صلی الله علیه وآله وسلم:

الْمَهْدِیّ یَخْرُجُ فِی آخِرِ الزَّمانِ.(۴۵)

رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

مهدی علیه السلام در آخر الزمان ظهور خواهد کرد.

حدیث سی و ششم

از فتنه و فساد تا استقرار حکومت اسلامی جماعه، عن أبی المفضل، عن أحمد بن محمد بن بشار، عن مجاهد بن موسی، عن عباد بن عباد، عن مجالد بن سعید، عن جبیر بن نوف أبی الوداک، قال: قلت لأبی سعید الخدری: وَاللَّه ما یأتی علینا عام إِلّا وَهو شر من الماضی وَلا أمیر إِلّا وَهو شر ممن کان قبله.

فقال أبوسعید: سمعته من رسول اللَّه صلی الله علیه وآله وسلم یقول ما تقول وَلکن سمعت رسول اللَّه صلی الله علیه وآله وسلم یقول:

لا ـ یَزالُ بِکُمُ الْأَمْرُ حَتّی یُولَدُ فِی الْفِتْنَهِ وَالْجَوْرِ مَنْ لا یُعْرَفُ غَیْرُها حَتّی تُمْلأُ الْأَرْضُ جَوْراً، فَلا یَقْدِرُ أَحَدٌ یَقُولُ «اَللَّهُ»، ثُمَّ یَبْعَثُ

اللَّهُ عَزَّ وَجِلَّ رَجُلاً مِنِّی وَمِنْ عِتْرَتِی فَیَمْلأَ الْأَرْضَ عَدْلاً کَما مَلَأَها مَنْ کانَ قَبْلَهُ جَوْراً، وَیَخْرُجُ لَهُ الْأَرْضَ أَفْلاذَ کَبِدِها وَیَحْثُو الْمالَ حَثْواً وَلا یَعُدُّهُ عَدّاً وَذلِکَ حَتّی یَضْرِبُ الإِسْلامُ بِجِرانِهِ.(۴۶)

راوی می گوید: به ابو سعید خدری گفتم: به خدا که هیچ سالی نمی آید؛ مگر این که از سال قبل بدتر است و هیچ پادشاهی و امیری بر ما مسلّط نمی شود مگر این که از پادشاه قبلی ظالم تر است.

و ابوسعید گفته است: همین که تو می گویی من از پیامبر خداصلی الله علیه وآله وسلم هم شنیده ام و

علاوه بر آن از رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم شنیدم که می فرمود:

اوضاع و امور به همین گونه می گذرد، تا این که در روزگار فتنه و فساد، کسی متولد خواهد شد که شناخته نخواهد شد. تا این که زمین پر از ظلم و ستم می شود.

پس کسی قادر نیست که حتی لفظ جلاله «اللّه» را به زبان بیاورد. پس از آن خداوند متعال مردی از فرزندان مرا مبعوث خواهد کرد که زمین را از عدل و داد پر می کند، همان گونه که افراد قبل از او،از ظلم و ستم پر کرده اند.

زمین خزاین خود را برای او بیرون می آورد و ذخایر و اموال خود را آشکار می نماید، به گونه ای که کسی آن را شماره نخواهد کرد.

و امور بدین گونه خواهد گذشت تا این که اسلام با تمام احکامش مستقر می گردد.

حدیث سی و هفتم

فرمانبری از امام زمان علیه السلام حدثنا عبد الواحد بن محمد بن عبدوس النیسابوری العطار رضی اللّه عنه، قال: حدثنا علی بن محمد بن قتیبه النیسابوری، عن حمدان بن سلیمان، قال: حدثنی أحمد بن عبد اللّه بن جعفر الهمدانی، عن عبد اللّه بن الفضل الهاشمی، عن هشام بن سالم، عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبیه، عن جده علیهم السلام قال:

قالَ رَسُولُ اللّه صلی الله علیه وآله وسلم:

اَلْقائِمُ مِنْ وُلْدِی، اِسْمُهُ اسْمِی وَکُنْیَتُهُ کُنْیَتِی وَشَمائِلُهُ شَمائِلِی وَسُنَّتُهُ سُنَّتِی، یُقِیمُ النّاسَ عَلی مِلَّتِی وَشَریعَتِی وَیَدْعُوهُمْ إِلی کِتابِ رَبّی عَزَّوَجَلَّ، مَنْ أَطاعَهُ فَقَدْ أَطاعَنِی وَمَنْ عَصاهُ فَقَدْ عَصانِی وَمَنْ أَنْکَرَهُ فِی غَیْبَتِهِ فَقَدْ أَنْکَرَنِی وَمَنْ کَذَّبَهُ فَقَدْ کَذَّبَنِی وَمَنْ صَدَّقَهُ فَقَدْ صَدَّقَنِی، إِلَی اللّهِ أَشْکُو الْمُکَذِّبِینَ لِی فِی أَمْرِهِ وَالْجاحِدِینَ لِقَوْلِی فِی شَأْنِهِ وَالْمُضِلّینَ لأُمَّتِی عَنْ طَرِیقَتِهِ وَسَیَعْلَمُ الَّذِینَ ظَلَمُوا أَیَّ مُنْقَلَبٍ یَنْقَلِبُونَ.(۴۷)

امام صادق

از پـدران بزرگوارش علیه السـلام و ایشان از پیامبر اکرم صـلی الله علیه وآله وسـلم نقل می کننـد که رسول خداصـلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

«قـائم» از فرزنـدان من است، نـام او نام من و کنیه اش کنیه من است. شـمایل و خصوصـیات مرا دارد و سـنت و روش او همان سنّت من است.

مردم را به دین و شریعت من وادار می کند و آنان را به عمل به کتاب خداوند متعال دعوت می نماید.

هر که اطاعت او کند، اطاعت مرا کرده است و آن که نافرمانی او کند نافرمانی مرا کرده است.

هر که در زمان غیبت، او را انکار کند مرا انکار کرده است.

آن که او را تکذیب نماید، مرا تکذیب نموده و هرکه او را تصدیق کند، مرا تصدیق کرده است.

به خداوند شکوه و شکایت می کنم از آنان که در خصوص او مرا تکذیب کنند، و آنان که سخن مرا در شأن او انکار نمایند، وامت مرا از راه و روش وی گمراه می کنند «و آن ها که ستم کردند به زودی می دانند که بازگشتشان به کجاست!»

حدیث سی و هشتم

خوشا به حال یاوران مهدی حدثنا محمد بن الحسن رضـی اللّه عنه، قال: حدثنا محمد بن الحسن الصفار، عن أحمد بن الحسین بن سعید، عن محمد بن جمهور، عن فضاله بن أیوب، عن معاویه بن وهب، عن أبی حمزه، عن أبی جعفرعلیه السلام قال:

قالَ رَسُولُ اللَّه صلی الله علیه وآله وسلم:

طُوبی لِمَنْ أَدْرَکَ قائِمَ أَهْلِ بَیْتِی وَهُوَ یَأْتَمُّ بِهِ فِی غَیْبَتِهِ قَبْلَ قِیامِهِ وَیَتَوَلّی أَوْلِیآءَهُ وَیُعادِی أَعْدآءَهُ، ذلِکَ مِنْ رُفَقائِی وَذَوِی مَوَدَّتِی وَأَکْرَمِ أُمَّتِی عَلَیَّ یَوْمَ الْقِیامَهِ.(۴۸)

امام باقرعلیه السلام از رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم نقل می فرماید:

خوشا به حال کسی که قائم اهل

بیت مرا درک کند و امامت او را در زمان غیبت و قبل از قیام وی بپذیرد، دوستان او را دوست بدارد و با دشمنانش دشمنی ورزد.

چنین کسی از رفیقان من و از دوستان من است و در روز قیامت از بهترین افراد امّت من نزد من خواهد بود.

حدیث سی و نهم

صاحب پرچم مهدی اخرج الطبرانی فی الاوسط، عن ابن عمر:

أَنَّ النَّبِیَ صلی الله علیه وآله وسلم أَخَذَ بِیَدِ عَلِیّ علیه السلام فَقالَ:

یَخْرُجُ مِنْ صُلْبِ هذا فَتیً یَمْلأُ الأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلاً فَإذا رَأَیْتُمْ ذلِکَ فَعَلَیْکُمْ بِفَتَی التَّمِیمِی، فَإِنَّهُ یُقْبِلُ مِنَ الْمَشْرِقِ وَهُوَ صاحِبُ رایَهِ الْمَهْدِی.(۴۹)

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم دست امام علی علیه السلام را گرفت و فرمود:

از نسل او جوانی ظهور می کند که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد. پس هرگاه آن را دیدید بر شما لازم است که جوان تمیمی را دریابید، همانا او از سمت مشرق خواهد آمد و او صاحب پرچم مهدی است.

حدیث چهلم

حکومت جهانی و آبادانی زمین ابن المتوکل، عن الأسدی، عن النخعی، عن النوفلی، عن علی بن سالم، عن أبیه، عن الثمالی، عن ابن طریف، عن ابن نباته، عن ابن عباس قال:

قال رَسُول اللَّه صلی الله علیه وآله وسلم:

لَمّا عُرِجَ بی إِلَی السَّمآءِ السّابِعَهِ وَمِنْها إِلی سِدْرَهِ الْمُنْتَهی وَمِنَ السِّدْرَهِ إِلی حُجُبِ النُّورِ نادانِی رَبِّی جَلَّ جَلالُهُ: یا مُحَمَّدُ أَنْتَ عَبْدِی وَأَنَا رَبُّکَ فَلِی فَاخْضَعْ وَإِیّایَ فَاعْبُدْ وَعَلَیَّ فَتَوَکَّلْ وَبِی فَثِقْ. فَإِنِّی قَدْ رَضِیتُ بِکَ عَبَداً وَحَبِیباً وَرَسُولاً وَنَبِیّاً وَبِأَخِیکَ عَلِیٍ خَلِیفَهً وَباباً فَهُوَ حُجَّتِی عَلی عِبادِی وَإِمامٌ لِخَلْقِی، بِهِ یُعْرَفُ أَوْلِیائِی مِنْ أَعْدائِی وَبِهِ یُمَیَّزُ حِزْبُ الشَّیْطانِ مِنْ حِزْبِی وَبِهِ یُقامُ دِینِی وَتُحْفَظُ حُدُودِی وَتُنْفَذُ أَحْکامِی وَبِکَ وَبِهِ وَبِالأَئِمَّهِ مِنْ وُلْدِکَ اَرْحَمُ عِبادِی وَإِمائِی وَبِالْقائِمِ مِنْکُمْ أَعْمَرُ أَرْضِی بِتَسْبِیحِی وَتَقْدِیسِی وَتَهْلِیلِی وَتَکْبِیرِی وَتَمْجِیدِی وَبِهِ أُطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنْ أَعْدائِی وَأُورَثُها أَوْلِیائِی وَبِهِ أَجْعَلُ کَلِمَهَ الَّذِینَ کَفَرُوا بِی السُّفْلی وَکَلِمَتِی الْعُلْیا، بِهِ أُحْیِی بِلادِی وَعِبادِی بِعِلْمِی وَلَهُ أَظْهَرُ الْکُنُوزَ وَالذَّخائِرَ بِمَشِیَتِی وَإِیّاهُ أَظْهَرُ عَلَی الْأَسْرارِ وَالضَّمائِرِ بِإِرادَتِی وَأَمَدُّهُ بِمَلائِکَتِی لِتُؤَیِّدَهُ

عَلی إِنْفاذِ أَمْرِی وَإِعْلانِ دِینِی، ذلِکَ وَلِیِّی حَقّاً وَمَهْدِیُّ عِبادِی صِدْقاً.(۵۰)

رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

آن گاه که مرا به آسمان هفتم بالا بردند و از آنجا به سدره المنتهی رساندند و سپس به حجاب های نور، معراج دادند، پروردگارم ندا فرمود:

ای محمّد! تو بنده منی و من پروردگار توأم، پس برای من تواضع کن و فقط عبادت مرا به جای آور و بر من توکل کن و به من اعتماد داشته باش.

که من تو را به بندگی پسندیدم و تو را حبیب و رسول و پیامبر خود کردم و نیز پسندیدم که برادرت علی، خلیفه تو و باب من باشد.

پس او حجّت من بر بندگانم می باشد و امام برای خلقم.

به وسیله او دوستانم از دشمنانم شناخته خواهند شد، و به واسطه او حزب شیطان و حزب من از یکدیگر جدا می شوند.

دین من به وسیله او برپا می گردد و حدودم حفظ و احکامم اجرا می شود.

به سبب تو و او و امامان از فرزندان او، به بندگان و کنیزانم ترحّم کنم. به وسیله قائم از شما زمین را آباد خواهم کرد. به خاطر تسبیح و تقدیس و تهلیل و تکبیر و تمجید خودم و به وسیله او زمین را از لوث وجود دشمنان، پاک سازم و آن را به دوستانم ارث بدهم.

به واسطه او سخن و پرچم کافران را پایین و شکست خورده می نمایم و پرچم و سخن خود را پیروز و برافراشته قرار می دهم.

به جهت او بندگان و شهرها را زنده می کنم.

به علم خودم، گنج ها و معادن و ذخایرش را برای او آشکار خواهم ساخت. و با اراده خودم او را بر اسرار عالم آگاه

خواهم کرد.

به فرشتگانم کمک کنم تا او را برای اجرای دستورم و آشکار ساختن دینم تأیید کنند.

به تحقیق که او ولی و سرپرست بندگانم می باشد و به راستی که رهبر و مهدی آنان است.

فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران

۱ - قرآن کریم/چهار رنگ - گلاسه رحلی خط نیریزی / الهی قمشه ای ۲ - قرآن کریم/نیم جیبی (کیفی) خط عثمان طه / الهی قمشه ای ۳ - قرآن کریم/وزیری (بدون ترجمه) خط عثمان طه ۴ - قرآن کریم/وزیری (ترجمه زیر، ترجمه مقابل) خط عثمان طه / الهی قمشه ای ۵ - قرآن کریم/(وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط نیریزی / الهی قمشه ای ۶ - کلیات مفاتیح الجنان/عربی انتشارات مسجد مقدّس جمکران ۷ - کلیات مفاتیح الجنان/(وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای ۸ - منتخب مفاتیح الجنان/ (جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای ۹ - منتخب مفاتیح الجنان/ جیبی، نیم جیبی) خط خاتمی / الهی قمشه ای ۱۰ - نهج البلاغه/(وزیری، جیبی) سید رضی رحمه الله/محمد دشتی ۱۱ - صحیفه سجادیه ویرایش حسین وزیری/الهی قمشه ای ۱۲ - ادعیه و زیارات امام زمان علیه السلام واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران ۱۳ - آئینه اسرار حسین کریمی قمی ۱۴ - آثار گناه در زندگی و راه جبران علی اکبر صمدی ۱۵ - آخرین پناه محمود ترحمی ۱۶ - آخرین خورشید پیدا واحد تحقیقات ۱۷ - آشنایی با چهارده معصوم (۱و۲)/شعر و رنگ آمیزی سیّد حمید رضا موسوی ۱۸ - آقا شیخ مرتضی زاهد محمد حسن سیف اللهی ۱۹ - آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) واحد پژوهش ۲۰ - ارتباط با خدا واحد تحقیقات ۲۱ - از زلال ولایت واحد تحقیقات ۲۲ - اسلام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۲۳ – امامت، غیبت، ظهور واحد پژوهش ۲۴ – امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام علم الهدی / واحد تحقیقات ۲۵ – امامت و ولایت در امالی شیخ صدوق سیّد محمّد حسین کمالی ۲۶ – امام رضا، امام مهدی و حضرت معصومه علیهم السلام(روسی) آلمات آبسالیکوف ۲۷ – امام رضاعلیه السلام در رزمگاه ادیان سهراب علوی ۲۸ – امام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۲۹ – انتظار بهار و باران واحد تحقیقات ۳۰ – انتظار و انسان معاصر عزیز اللّه حیدری ۳۱ – اهّمیت اذان و اقامه محمد محمدی اشتهاردی ۳۲ – با اولین امام در آخرین پیام حسین ایرانی ۳۳ – بامداد بشریت محمد جواد مروّجی طبسی ۳۴ – بهتر از بهار/کودک شمسی (فاطمه) وفائی ۳۵ – پرچمدار نینوا محمد محمدی اشتهاردی ۳۶ – پرچم هدایت محمد رضا اکبری ۳۷ – پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و تروریسم و خشونت طلبی علی اصغر رضوانی ۳۸ – پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و جهاد و برده داری علی اصغر رضوانی ۳۹ – پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و حقوق اقلیت ها و ارتداد علی اصغر رضوانی ۴۰ – پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و حقوق زن علی اصغر رضوانی ۴۱ – پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و صلح طلبی علی اصغر رضوانی ۴۲ – تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری ۴۳ – تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله/دو جلد شیخ عباس صفایی حائری ۴۴ – تاریخچه مسجد مقدس جمکران/(فارسی، عربی، اردو، انگلیسی) واحد تحقیقات ۴۵ – تاریخ سید الشهداءعلیه السلام شیخ عباس صفایی حائری ۴۶ – تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام سید جعفر

میرعظیمی ۴۷ – تشرف یافتگان (چهار دفتر) میرزا حسین طبرسی نوری ۴۸ – جلوه های پنهانی امام عصرعلیه السلام حسین علی پور

۴۹ – چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام حسین گنجی ۵۰ – چهل حدیث /امام مهدی علیه السلام در کلام امام علی علیه السلام سید صادق سیدنژاد

۵۱ – چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله احمد سعیدی ۵۲ – حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت محمد محمدی اشتهاردی ۵۳ – حکمت های جاوید محمد حسین فهیم نیا

۵۴ – ختم سوره های یس و واقعه واحد پژوهش ۵۵ – خزائن الاشعار (مجموعه اشعار) عباس حسینی جوهری ۵۶ – خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب) رضا استادی ۵۷ – خوشه های طلایی (مجموعه اشعار) محمد علی مجاهدی (پروانه)

۵۸ – دار السلام شیخ محمود عراقی میثمی ۵۹ – داستان هایی از امام زمان علیه السلام حسن ارشاد

۶۰ – داغ شقایق (مجموعه اشعار) علی مهدوی ۶۱ – در انتظار منجی (روسی) آلمات آبسالیکوف ۶۲ – در جستجوی نور صافی، سبحانی، کورانی ۶۳ – در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم) شیخ عباس قمی / کمره ای ۶۴ – دفاع از حریم امامت و ولایت(مختصر شب های پیشاور) کریم شنی ۶۵ – دلشده در حسرت دیدار دوست زهرا قزلقاشی ۶۶ – دین و آزادی محمّد حسین فهیم نیا

۶۷ – رجعت یا حیات دوباره احمد علی طاهری ورسی ۶۸ – رسول ترک محمد حسن سیف اللهی ۶۹ – روزنه هایی از عالم غیب سید محسن خرّازی ۷۰ – زیارت ناحیه مقدّسه واحد تحقیقات ۷۱ – سحاب رحمت عباس اسماعیلی یزدی ۷۲ – سخنرانی مراجع در مسجد جمکران واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران ۷۳ – سرود سرخ انار الهه بهشتی ۷۴ – سقّا خود

تشنه دیدار طهورا حیدری ۷۵ – سلفی گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۷۶ – سیاحت غرب آقا نجفی قوچانی ۷۷ – سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی دکتر عبد اللهی ۷۸ – سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام(دوجلدی) محمّد امینی گلستانی ۷۹ – سیمای مهدی موعودعلیه السلام در آئینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی (پروانه)

۸۰ – شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشموس الطالعه) محمّد حسین نائیجی ۸۱ – شمس وراء السحاب/ عربی السیّد جمال محمّد صالح ۸۲ – صبح فرا می رسد مؤسسه فرهنگی تربیتی توحید

۸۳ – ظهور حضرت مهدی علیه السلام سید اسد اللّه هاشمی شهیدی ۸۴ – عاشورا تجلّی دوستی و دشمنی سید خلیل حسینی ۸۵ – عریضه نویسی سید صادق سیدنژاد

۸۶ – عطر سیب حامد حجّتی ۸۷ – عقد الدرر فی أخبار المنتظرعلیه السلام/عربی المقدس الشافعی ۸۸ – علی علیه السلام مروارید ولایت واحد تحقیقات ۸۹ – علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان ۹۰ – غدیرخم (روسی، آذری لاتین) علی اصغر رضوانی ۹۱ – غدیرشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۹۲ – فتنه وهابیت علی اصغر رضوانی ۹۳ – فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام سید محمد واحدی ۹۴ – فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی ۹۵ – فرهنگ تربیت عباس اسماعیلی یزدی ۹۶ – فرهنگ درمان طبیعی بیماری ها(پخش) حسن صدری ۹۷ – فوز اکبر محمد باقر فقیه ایمانی ۹۸ – فریادرس حسن محمودی ۹۹ – قصه های تربیتی محمّد رضا اکبری ۱۰۰ – کرامات المهدی علیه السلام واحد تحقیقات ۱۰۱ – کرامت های حضرت مهدی علیه السلام واحد تحقیقات ۱۰۲ – کمال الدین وتمام النعمه (دو جلد) شیخ صدوق رحمه الله/منصور پهلوان ۱۰۳ –

کهکشـان راه نیلی (مجمـوعه اشـعار) حسـن بیاتـانی ۱۰۴ - گردی از رهگـذر دوسـت (مجمـوعه اشـعار) علی اصـغر یونسـیان (ملتجی)

۱۰۵ - گفتمان مهـدویت آیت اللّٰه صافی گلپایگانی ۱۰۶ - گنجینه نور و برکت، ختم صلوات مرحوم حسینی اردکانی ۱۰۷ - مام فضیلت ها عباس اسماعیلی یزدی ۱۰۸ - مشکاه الانوار علّامه مجلسی رحمه الله ۱۰۹ - مفرد مذکر غائب علی مؤذنی ۱۱۰ - مکیال المکارم (دو جلد) موسوی اصفهانی/ حائری قزوینی ۱۱۱ - منازل الآخره، زندگی پس از مرگ شیخ عباس قمی رحمه الله ۱۱۲ - منجی موعود از منظر نهج البلاغه حسین ایرانی ۱۱۳ - منشور نینوا مجید حیدری فر

۱۱۴ - موعودشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۱۱۵ - مهـدی علیه السـلام تجسّم امیـد و نجات عزیز اللّٰه حیدری ۱۱۶ - مهدی منتظرعلیه السـلام در اندیشه اسلامی العمیدی / محبوب القلوب ۱۱۷ - مهدی موعودعلیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار - دو جلد علّامه مجلسی رحمه الله/ارومیه ای ۱۱۸ - مهربان تر از مادر / نوجوان حسن محمودی ۱۱۹ - مهر بیکران محمد حسن شاه آبادی ۱۲۰ - میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس) سید مهـدی حائری قزوینی ۱۲۱ - ناپیـدا ولی با ما / (فارسی ،ترکی اسـتانبولی، انگلیسـی، بنگالاـ) واحـد تحقیقـات ۱۲۲ - نجـم الثـاقب میرزا حسـین نـوری رحمـه الله ۱۲۳ - نجم الثاقب(دوجلدی) میرزا حسین نوری رحمه الله ۱۲۴ - ندای ولایت بنیاد غدیر

۱۲۵ - نشـانه هـای ظهور او محمـد خـادمی شـیرازی ۱۲۶ - نشـانه هـای یـار و چکـامه انتظار مهـدی علیزاده ۱۲۷ - نگـاهی به مسیحیت و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۱۲۸ - نماز شب واحـد پژوهش مسـجد مقدّس جمکران ۱۲۹ - نهج الکرامه گفته ها و نوشته های امام حسین علیه السلام محمّد

رضا اکبری ۱۳۰ – و آن که دیرتر آمد الهه بهشتی ۱۳۱ – واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۱۳۲ – وظایف منتظران واحد تحقیقات ۱۳۳ – ویژگی های حضرت زینب علیها السلام سید نور الدین جزائری ۱۳۴ – هدیه احمدیه/(جیبی، نیم جیبی) میرزا احمد آشتیانی رحمه الله ۱۳۵ – همراه با مهدی منتظر مهدی فتلاوی/بیژن کرمی ۱۳۶ – یاد مهدی علیه السلام محمد خادمی شیرازی ۱۳۷ – یار غائب از نظر(مجموعه اشعار) محمد حجّتی ۱۳۸ – ینابیع الحکمه/عربی – پنج جلد عباس اسماعیلی یزدی جهت تهیه و خرید کتاب های فوق، می توانید با نشانی:

قم – صندوق پستی ۶۱۷ ، انتشارات مسجد مقدّس جمکران مکاتبه و یا با شماره تلفن های ۷۲۵۳۷۰۰ ، ۷۲۵۳۳۴۰ – ۰۲۵۱ تماس حاصل نمایید.

کتاب های درخواستی بدون هزینه پستی برای شما ارسال می گردد.

سایر نمایندگی های فروش:

تهران: ۶۶۹۳۹۰۸۳ ، ۶۶۹۲۸۶۸۷ – ۰۲۱

یزد: ۶۲۴۶۴۸۹، ۲-۶۲۸۰۶۷۱ – ۰۳۵۱

فریدونکار: ۱۴ – ۵۶۶۴۲۱۲ – ۰۱۲۲

پی نوشت ها

۱) فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ ساجِدِينَ. (حجر/۲۹)

۲) چون خدا کامل و عادل محض بوده و ازلی و ابدی است.

۳) وَإِذْ قالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يابَنِي إِسْرَآئِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُم مُّصَدِّقاً لِما بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَاهِ وَمُبَشِّراً بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمّا جَآءَهُم بِالْبَيِّناتِ قالُوا هذا سِحْرٌ مُّبِينٌ (صف/۶).

۴) أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يابَنِي آدَمَ أَن لَّا تَعْبُدُوا الشَّيْطانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ. (یس/۶۰).

۵) معصومین علیهم السلام فرموده اند: «ما منّا إلّا مقتول أو مسموم».

۶) بیمنه رزق الوری وبوجوده ثبتت الأرض والسماء».

۷) خلاصه اعمال مسجد مقدس جمکران: ۱) دو رکعت نماز تحیّت مسجد که در هر رکعت بعد از سوره حمد هفت مرتبه سوره توحید خوانده می شود و در رکوع و سجده ها

نیز ذکر آن هفت مرتبه گفته می شود. ۲) دو رکعت نماز امام زمان علیه السلام که در هر رکعت در سوره حمد آیه «ایاک نعبد وایاک نستعین» صد بار خوانده می شود و در رکوع و سجده ها نیز ذکر آن هفت مرتبه گفته می شود، پس از نماز یک بار لا اله الا اللّه و تسبیح حضرت زهراعلیها السلام و سپس در سجده صد بار صلوات می فرستد.

۸) آماری که در سال ۷۹ اعلام شد، حدود ۱۵ میلیون نفر.

۹) بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۵۳.

۱۰) کافی: ج ۸، ص ۴۹، حدیث ۱۰؛ بحار الأنوار: ج ۵۱، ص ۷۷.

۱۱) امالی شیخ صدوق: مجلس ۷۲، حدیث ۱۵؛ بحار الأنوار: ج ۵۱، ص ۶۵.

۱۲) کشف الغمّه: ج ۱، ص ۵۲۶؛ بحار الأنوار: ج ۴۳، ص ۳۰۴.

۱۳) غیبت طوسی: ص ۱۷۹، حدیث ۱۳۷؛ بحار الأنوار: ج ۵۱، ص ۷۴؛ منتخب الأثر: ص ۲۲۱.

۱۴) کمال الدین: ص ۲۸۶، حدیث ۱؛ بحار الأنوار: ج ۵۱، ص ۷۱.

۱۵) کمال الدین: ج ۱، ص ۲۸۰، ح ۲۷؛ بحار الأنوار: ج ۵۱، ص ۷۱.

۱۶) کمال الدین، ج ۲، ص ۴۱۱؛ منتخب الأثر، ص ۲۳۷.

۱۷) کفایه الاثر صفحه ۱۴۳ و منتخب الاثر صفحه ۱۵۱

۱۸) بحار الأنوار: ج ۵۱، ص ۷۶.

۱۹) بحار الأنوار: ج ۳۶، ص ۳۱۵؛ کفایه الأثر: ص ۸۷؛ منتخب الأثر: ص ۶۳.

۲۰) کمال الدین، ج ۱ ص ۲۵۷؛ منتخب الأثر، ص ۱۲۳؛ کفایه الأثر، ص ۱۴۳.

۲۱) کمال الدین: ج ۲، ص ۳۹۴؛ منتخب الأثر: ص ۳۶۱.

۲۲) غیبت شیخ طوسی: ص ۱۸۰، حدیث ۱۳۸؛ بحار الأنوار: ج ۵۱، ص ۷۴.

۲۳) کمال الدین: ج ۱، باب ۲۴، حدیث ۳۲، ص ۵۲۶.

۲۴) غیبت نعمانی: ص ۲۴۷، حدیث ۱؛ بحار الأنوار: ج

۵۱، ص ۷۶.

۲۵) غیبت شیخ طوسی، ص ۱۹۱، حدیث ۱۵۴؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۷۶.

۲۶) امالی شیخ الطوسی، ص ۱۵۵، حدیث ۲۵۶؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۶۷.

۲۷) عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۶۶؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۶۶.

۲۸) کمال الدین، ج ۱، باب ۲۴، حدیث ۱۲، ص ۵۰۶.

۲۹) کمال الدین، ج ۱، ص ۵۱؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۶۸؛ منتخب الاثر، ص ۳۲۵.

۳۰) کمال الدین ص ۲۸۷، حدیث ۴؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۷۲.

۳۱) کمال الدین، ج ۱، ص ۵۳۸.

۳۲) کمال الدین، ص ۲۸۷، حدیث ۶؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۷۳.

۳۳) کمال الدین، ج ۲ ص ۴۱۲، حدیث ۱۲؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۷۳.

۳۴) الإرشاد، ج ۲، ص ۲۷۵ و منتخب الاثر ص ۲۲۵.

۳۵) کمال الدین ج ۲، ص ۶۴۴ و منتخب الاثر ۶۲۹.

۳۶) بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۰۹.

۳۷) کمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۰، حدیث ۱؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۶۸؛ منتخب الاثر، ص ۵۲۹.

۳۸) اصول الکافی، ج ۵، ص ۵۹ و منتخب الاثر، ص ۵۲۹.

۳۹) منتخب الاثر، ص ۵۳۶؛ تفسیر صافی قمی؛ ج ۲، ص ۳۰۳.

۴۰) کفایه الأثر، ص ۱۰۶ و منتخب الاثر صفحه ۲۶۱؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۹؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۶۵.

۴۱) در برخی از نسخه ها به جای «مَدارِسُ»، عبارت «مَنازِلُ» آمده است.

۴۲) منتخب الأنوار المضیئه، ص ۳۹؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۲، باب ۳۵، حدیث ۶.

۴۳) کفایهالاثر صفحه ۱۳۴ و منتخب الاثر صفحه ۱۰۹.

۴۴) امالی شیخ الطوسی، ص ۳۵۱ م ۱۲ ح ۶۶؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۶۷.

۴۵) غیبت شیخ طوسی، ص ۱۷۸، حدیث ۱۳۵؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۷۳.

۴۶) امالی شیخ طوسی، ص ۵۱۲، مجلس ۱۸، حدیث ۲۸؛

بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۶۸.

۴۷) کمال الدین، ج ۲ ص ۴۱۱، حدیث ۶؛بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۷۳؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۳؛ و منتخب الاثر، ص ۲۳۳.

۴۸) کمال الدین، ص ۲۸۶، حدیث ۲؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۷۲؛ منتخب الاثر ۶۴۶.

۴۹) منتخب الاثر ص ۳۹۳؛ به نقل از :البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان باب ۷.

۵۰) امالی شیخ صدوق مجلس ۹۲، حدیث ۴؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۶۶.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹